



The Nature of Architects' Mental Schemas Based on Sadra's Epistemological System

Saeid Alitajer

Associate Professor, Department of Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Fatemeh Mohammad Ali Nezhad

PHD student of Architecture, Department of Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Instructor, Department of Architecture, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Received: 2024/09/12

Accepted: 2025/01/04

Abstract

The concept of schema, originating in psychology, has been widely applied across disciplines, including architecture, where studies demonstrate its critical role in design success. However, psychological theories alone fail to fully explain the depth of mental schemas evident in Islamic architecture, necessitating an epistemological examination through Islamic philosophy. This research employs Mullah Sadra's philosophical framework to investigate architects' mental schemas, addressing three key questions: (1) Which aspects of psychological schema theory align or conflict with Sadra's epistemology? (2) What philosophical principles of Sadra's system are overlooked in schema theory? (3) How can architects' mental schemas be redefined more comprehensively? As a foundational study, this research adopts a comparative methodology, analyzing psychological theories of schema alongside Sadra's epistemology through library-based research and logical reasoning. The comparison reveals both convergences and divergences between the two perspectives. Shared elements include the subject-object relationship, hierarchical expansion of perception, and the role of schema as descriptive and procedural knowledge. However, Sadra's philosophy introduces critical dimensions absent in psychological schema theory, such as the epistemic role of intuitive cognition (heart-based perception), the dynamic progression of knowledge through "essential movement" (al-haraka al-jawhariyya), and the teleological orientation of cognition toward the Supreme Truth. These distinctions carry significant implications for architectural practice. Architects must recognize the levels of existence in perception, allowing their schemas to evolve through ascending stages of cognition. During design, intuitive perception enables the discovery of meaning, which is then materialized through architectural form. Consequently, this study redefines architects' mental schemas as intuitive-mental constructs rooted in the connection between the architect and multiple existential realms. These schemas embody both descriptive knowledge (interpretations derived from the soul's ascending journey toward unity) and procedural knowledge (the descent of meaning into physical form). By integrating Sadra's epistemology, architects can cultivate richer schemas, bridging transcendent understanding with tangible creation. This research not only expands schema theory philosophically but also provides a framework for enhancing architectural design through epistemological depth, emphasizing the synthesis of intuition, existential awareness, and material execution.

Keywords:

Perception of architectural work,
Creation of architectural work,
Cognition,
Schema, Sadra,
Mental existence

© 2025 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



Citation: Alitajer, S and Mohammad Ali Nezhad, F. (2025). The Nature of Architects' Mental Schemas Based on Sadra's Epistemological System. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 13 (1): 98-120.

doi [10.61186/jria.13.1.6](https://doi.org/10.61186/jria.13.1.6)

* **Corresponding Author:** Alitajer@basu.ac.ir



ماهیت طرحواره‌های ذهنی معماران مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی صدرایی

سعید علی تاجر

دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

فاطمه محمدعلی نژاد

دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

مربی گروه معماری، دانشکده مهندسی عمران و معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده

طرحواره، مفهومی با پیشینه نظری گسترده در حوزه روانشناسی و به معنای ساختارشناختی انسان است. این مفهوم در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نیز مورد توجه پژوهشگران بوده و دستاوردهای ارزنده‌ای را به ارمغان آورده است. در مطالعات نظری معماری بر غنای طرحواره‌های ذهنی معماران برای نقش‌آفرینی در ادراک و خلق آثار معماری تاکید شده است. در برخی از آثار معماری اسلامی، این غنای ذهنی به گونه‌ای در کالبد اثر تجلی یافته که توصیف ماهیت جامع آن بر پایه نظریات روانشناسان، امکان‌پذیر نمی‌باشد. این مسئله، تدقیق ماهیت طرحواره ذهنی طراحان معماری را با اتکا به فلسفه اسلامی ضروری می‌نمایاند. از این رو هدف پژوهش حاضر، ارائه تبیینی نو از ماهیت طرحواره‌های ذهنی معماران بر پایه نظام معرفت‌شناسی در اندیشه فیلسوف مسلمان، صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی، در نظر گرفته و این سوالات مطرح شد: کدام بخش از دیدگاه روانشناسان در خصوص طرحواره منطبق با دیدگاه صدرا و کدام بخش متفاوت از آن می‌باشد؟ در نظریه طرحواره، کدامیک از اصول فلسفی و مبانی معرفت‌شناسی صدرا مغفول مانده است؟ تعریف جامع‌تر از طرحواره‌های ذهنی معماران چیست؟ در این پژوهش که از نوع پژوهش‌های بنیادی است، داده‌ها بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری و با رویکرد تطبیقی وجوه اشتراک و افتراق میان دو دیدگاه بدست آمد و در گام بعدی با استفاده از روش استدلال منطقی در تبیینی صدرایی از ماهیت طرحواره ذهنی معماران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. در نهایت این نتیجه حاصل شد که اشتراکاتی در میان دو دیدگاه وجود دارد نظیر رابطه عین و ذهن، تغییر و گسترش ادراکات و تشکیک در ادراک یک پدیده محسوس. با این حال وجوه افتراقی نیز بدست آمد که از میان آن‌ها سه مورد، بنیادی‌تر است. اولین مورد، اطلاق انتزاع صورت ذهنی در مراحل شکل‌گیری طرحواره‌های ذهنی است که همسو با دیدگاه صدرا نمی‌باشد. از نظر ایشان در حرکت جوهری نفس، تاویل رخ می‌دهد و نفس انسان متناسب با هر مرتبه هستی که در آن حضور دارد، می‌تواند به ادراک پدیده در مرتبه متناظر با آن ناآل آید. علاوه بر این صدرا در سیر صعودی معرفت، حرکت جوهری نفس را سیری همگرا به سوی مرتبه والای ذات الهی تعریف می‌کند ولی در نظریه طرحواره، غایتی واحد برای نظام سلسله مراتبی شناخت تعریف نمی‌شود. تفاوت دیگر، معرفت شهودی در دیدگاه صدرا است که به آن در نظریه طرحواره اشاره نشده است. با توجه به تشابهات و تفاوت‌های بدست آمده بازتعریف طرحواره‌های ذهنی معماران مبتنی بر دیدگاه صدرا ارائه شد.

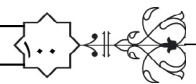
واژگان کلیدی: ادراک اثر معماری، خلق اثر معماری، شناخت، طرحواره، صدرا، وجود ذهنی

ارجاع به مقاله: علی تاجر، سعید و محمدعلی نژاد، فاطمه. (۱۴۰۴). ماهیت طرحواره‌های ذهنی معماران، مبتنی بر نظام معرفت‌شناسی صدرایی، پژوهش‌های معماری

doi: 10.61186/jria.13.16

اسلامی، ۱۱۳(۱): ۹۸-۱۲۰.

* نویسنده مسئول Alitajer@basu.ac.ir



۱. مقدمه

طرحواره‌های ذهنی، ساختارشناختی انسان دانسته می‌شوند، ساختاری فعال و در حال تغییر و رشد که در آن مفاهیم و صورت‌ها با توجه به فهم انسان از جهان، با یکدیگر در ارتباط هستند (تفضلی ۱۳۹۲، ۲۶-۲۸). طرحواره‌ها از یک سو از طریق تجربه‌های فردی ایجاد و سامان‌دهی می‌شوند و از سویی دیگر در تجربه‌های شناختی فرد، در ادراک و ارزیابی اطلاعات جدید مورد استفاده قرار می‌گیرند (محمدعلی نژاد ۱۳۸۹، ۱۰۴-۱۰۳). در معماری، طرحواره‌های ذهنی را می‌توان دستاورد تعامل میان اثر معماری، معمار به عنوان خالق و شناسنده اثر و جهان هستی به عنوان زمینه اثر دانست و معماران با نگرشی که نسبت به ماهیت انسان و جهان هستی و تعامل میان این دو دارند به ادراک و خلق اثر به کمک طرحواره‌های ذهنی خود می‌پردازند.

تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که شرط ادراک به صورت کلیت یکپارچه و معنی‌دار، تقویت طرحواره‌ها و همپوشانی آن‌هاست (مقدسی ۱۳۹۷، ۵۰). از طرفی دیگر غنی بودن طرحواره‌های ذهنی معماران نیز تاثیر بسزایی در موفقیت آنان در طراحی دارد. این موضوع، لزوم آشنایی جامع معماران با ماهیت طرحواره‌های ذهنی را نشان می‌دهد. مسئله‌ای که مستلزم پژوهش در خصوص فرآیند شناخت و معرفت‌یابی انسان بر مبنای یک چارچوب نظری مشخص است.

مطالعه و تحقیقات فراوانی در زمینه ماهیت طرحواره‌های ذهنی در حوزه روانشناسی صورت پذیرفته است که در آن‌ها، طرحواره‌های ذهنی محصول نهایی شناخت انسان از دنیای پیرامونی و عامل پیوند دهنده ادراک به شناخت معرفی می‌شوند. این نتایج همواره مورد توجه معماران و پایه نظری بسیاری از پژوهش‌های معماری بوده است. نظر به اینکه فلسفه اسلامی به طور عمیق‌تری به ساخت‌های وجودی انسان و هستی می‌پردازد و تاثیر آن در آثار معماری اسلامی نیز مشهود است، به نظر می‌رسد تطبیق این نظریه با حوزه معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی، امکان دستیابی به تعریفی جامع‌تر از آن را در معماری فراهم می‌آورد. از این رو نظام معرفت‌شناسی در اندیشه صدر، یکی از فلاسفه مسلمان و پایه گذار حکمت متعالیه، به عنوان بخش تکمیل کننده شالوده نظری این پژوهش مدنظر قرار گرفت.

با توجه مسئله و ضرورت ذکر شده، هدف اصلی این پژوهش، تدقیق ماهیت طرحواره‌های ذهنی معماران بر مبنای نظام معرفت‌شناسی صدرایی تعیین و این سوالات مطرح شد: کدام بخش از دیدگاه روانشناسان در خصوص طرحواره منطبق با دیدگاه صدر و کدام بخش متفاوت از آن می‌باشد؟ در نظریه طرحواره، کدامیک از اصول فلسفی و مبانی معرفت‌شناسی

صدرا مغفول مانده است؟ و تعریف جدید و جامع‌تر از ماهیت طرحواره‌های ذهنی معماران چیست؟ پاسخ به این سوالات، نگرشی جامع‌تر از ماهیت طرحواره ذهنی را در فرایند ادراک و خلق آثار معماری ایجاد کند، نگرشی که می‌تواند سطح خبرگی معماران را ارتقا ببخشد و نوآوری این پژوهش در کاربست نظریات سایر علوم در حوزه معماری به شمار آید.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهش مستقلی با رویکرد تطبیقی برای بازتعریف ماهیت طرحواره‌های ذهنی معماران در چارچوب فلسفه اسلامی انجام نشده است. به این علت و توجه به ماهیت میان رشته‌ای پژوهش حاضر، مرتبط‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه معماری، در دو بخش کلی معرفی می‌شود. بخش اول به پژوهش‌های مرتبط با نظریه طرحواره‌های ذهنی و بخش دوم به پژوهش‌های مبتنی بر فلسفه صدر و حکمت متعالیه می‌پردازد. پیشینه عنوان شده در هر یک از بخش‌ها نیز شامل دو دسته پژوهش‌های نظری و تجربی می‌باشد.

طرحواره ذهنی در پژوهش‌های معماری، مفهومی برگرفته از نظرات و دستاوردهای پژوهشگران و صاحب‌نظران در حوزه روانشناسی رشد و روانشناسی شناختی است. برخی از این مطالعات به بررسی نقش طرحواره‌های ذهنی بر ادراک یا طراحی فضاهای معماری (پارسی و فرمehینی فراهانی ۱۳۹۵، ۳۰۳؛ تفضلی ۱۳۹۲، ۱۷؛ رحیمی و صבורی ۱۳۹۷، ۹۱؛ فرمehینی فراهانی و صرافی ۱۴۰۰، ۷؛ Guo, Lawson 2004, 443; Fan, and Meng 2023, 3513) و برخی دیگر به نقش آن‌ها در آموزش طراحی معماری (یزدانفر ۱۳۸۳، ۱۴۵؛ Urey ۲۰۱۹، ۳۹) پرداختند. این تحقیقات به دو کارکرد حفظ و یادآوری حافظه اشاره می‌کنند. در کنار کارآمدی طرحواره‌های ذهنی، تضعیف تفکر طراحی توسط طرحواره‌های ناسازگار از طریق اختلال در تفکر خلاق و نقاد نیز موضوع پژوهشی دیگر بوده است (محمود آبادی و میرجانی ۱۴۰۱، ۱). مطالعه تطبیقی میان نظریه طرحواره و نظریه زبان الگو نیز در میان پژوهش‌های این حوزه دیده می‌شود که در آن‌ها طرحواره‌ها، بازنمای ذهنی الگوهای محیط طبیعی و مصنوع معرفی و دو نظریه از وجوه مختلف بررسی و مقایسه شدند (شریف و محمدعلی نژاد ۱۳۹۱، ۲۳؛ khols and Scheiter 2008, 1) در این بخش، پژوهش‌های تجربی متعددی نیز گزارش شده است که به طور نمونه می‌توان به بررسی میزان توسعه و دگرگونی طرحواره‌های ذهنی در حین تحصیل دانشجویان معماری (Anay and Özten 2019, 78) و شناسایی روابط بین طرح‌واره‌های فرهنگی، فرآیند

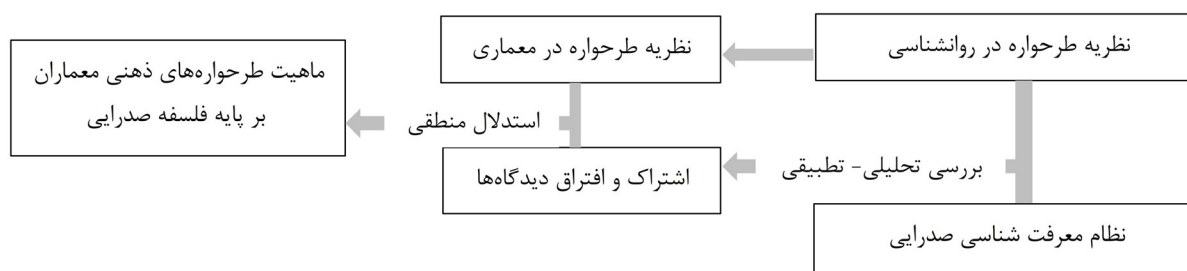
مراتب وجود ملاصدرا (رئیس سمعی ۱۳۸۳)، تطبیق اصل حرکت جوهری در فلسفه صدرا با معماری زیست دوست با هدف آفرینش زیبایی و دستیابی به معماری زنده (عرب زاده و دیگران ۱۴۰۳، ۴۱) اشاره نمود. علاوه بر تحقیقات نظری، مطالعات دیگری به صورت تجربی بر برخی از آثار معماری اسلامی انجام شده است. بررسی تأثیر فضای سیال مسجد کبود تبریز بر حرکت تکاملی نفس آدمی از درجات پایین به بالاتر به عنوان اندیشه محوری این مسجد (شجاری، سلخی خسرقي و آصفی ۱۳۹۶، ۷۵)، تطبیق مفهوم محاکات متأثر از آرای ملاصدرا با روش قیاس و تبیین آن در آفرینش فضاهای شهری مانند بازار (مهرافزا، رضایی، و کمالی زاده ۱۴۰۲، ۶۷)، عوامل تأثیرگذار بر ظهور اصل سلسله مراتب در معماری مساجد و تأثیر آن‌ها بر تجلی این اصل در مسجد گوهرشاد (شیرخانی و صحاف ۱۴۰۱، ۵۰۲) و میزان تجلی مولفه‌های زیبایی‌شناسی حکمت متعالیه در کالبد بازار همدان و سرای شریفیه و طبقه‌بندی آن‌ها در دو گونه کلی مؤلفه‌های ذهنی روانشناختی و فرمی کالبدی (صادقی، دادگر، و سماواتی ۱۳۹۷، ۵۱) نمونه‌هایی از این پژوهش‌های تجربی هستند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادی است که مطابق با شکل ۱، در گام نخست داده‌های این پژوهش (نظریه طرحواره در روانشناسی و نظام معرفت‌شناسی صدرایی)، برپایه مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شدند و با اتخاذ رویکرد تطبیقی، وجوه اشتراک و افتراق میان دو دیدگاه بدست آمد. در گام بعدی پژوهش، به روش استدلال منطقی و بر پایه نتایج گام نخست، کنش‌های شناختی معماران و کارکرد طرحواره در فرایندهای ادراک و خلق آثار معماری مورد تحلیل قرار گرفت. در نهایت نتیجه این پژوهش در قالب تعریفی نو از مفهوم طرحواره ذهنی معماران بر مبنای نظام معرفت‌شناسی صدرایی ارائه گردید.

طراحی معماری و استودیوهای طراحی (Ketizmen and Turgut 2017, 31) اشاره نمود.

در بخش دوم پیشینه، پژوهش‌های متعددی در حوزه معماری بر پایه فلسفه صدرا و حکمت متعالیه یافت شد. موضوع ادراک، خوانش و تفسیر اثر معماری بر پایه مراتب هستی و مراتب ادراکی انسان یکی از موضوعات اصلی مورد توجه پژوهشگران بوده است (تقدیر ۱۳۹۶، ۴۸؛ تقدیر ۱۴۰۰، ۱۴۹؛ صدیقی و دیگران ۱۳۹۹، ۲۹۶؛ میرغلامی، میرفخرایی، و انصاری ۱۳۹۹، ۳۷)، در این راستا و به صورت جزئی‌تر، ادراک با تأکید بر یک مقوله خاص در معماری از منظر فلسفه صدرا نظیر ادراک کیفیت زیبایی‌شناسی فضا (دانشمند و فتاحی ۱۴۰۲، ۱۹) و همچنین ادراک آثار معماری بر پایه یکی از اصول فلسفی صدرا نظیر شناسایی پیوند مجموعه متکثر آثار هنری اسلامی بر مبنای نظریه تشکیک وجود (کلانتری و سعدوندی ۱۴۰۰، ۱۴۷) نمونه‌هایی از این دسته از پژوهش‌ها هستند. موضوع اصلی دیگر در این بخش، مرتبط با خلق اثر معماری است نظیر موضوع فرآیند ذهنی معمار و مراحل خلق اثر (تقدیر ۱۴۰۰، ۱۴۹؛ تقدیر و صمیمی‌فر ۱۴۰۱، ۱)، دستیابی به حقیقتی عالیت‌ر در طراحی با تأکید بر نقش شهود (علی‌تاجر ۱۳۸۳)، آفرینش اثر در مسیر تعالی بخشی به معماری ایرانی، هنرمند و مخاطب (کبودی و نقره کار ۱۳۹۹، ۹۹؛ متولی حقیقی، صحاف، و کمالی زاده ۱۴۰۲، ۴۵)، تبیین خلاقیت بر پایه قوای ادراکی انسان در مراتب هستی (شجاری و طباطبایی لطفی ۱۳۹۵، ۲۳) و زایش توأمان «جزء و کل» در فرآیند طراحی معماری بر پایه قاعده‌ی بسط الحقیقه صدرایی (ایزدپور و دیگران ۱۴۰۲، ۷۰). در کنار دو موضوع اصلی ذکر شده، پژوهش‌هایی با رویکرد تطبیقی نیز مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است که به طور نمونه می‌توان به مقایسه و تطبیق مدلی از چارچوب نظری معرفت‌شناسی حکمت متعالیه با شواهد تجربی طراحی پژوهی (روان و علی‌تاجر ۱۳۹۷، ۱۵)، تطبیق مراتب هستی، معمار و آثار معماری بر مبنای نظریه



تصویر ۱: مدل روش پژوهش

۴. مبانی نظری

در پژوهش حاضر، داده‌ها در دو بخش کلی ارائه می‌شوند. بخش اول نظریه طرحواره در علم روانشناسی و دستاوردهای آن در پژوهش‌های معماری و بخش دوم مبانی فلسفی و نظام معرفت‌شناسی صدرایی است.

۴-۱. طرحواره

قدیمی‌ترین کاربرد واژه طرحواره را می‌توان در رساله‌های افلاطون و ارسطو به معنای فرم، شکل، تصویر یا وضعیت مشاهده کرد. اما کانت، فیلسوف آلمانی، برای طرحواره معنایی خاص مطرح کرد که می‌توان کاربردهای این مفهوم در دوره جدید را متأثر از این معنا دانست. از نظر او، طرحواره میان ادراکات حسی و مفاهیم رابطه برقرار می‌کند (تفضلی ۱۳۹۲، ۲۴-۲۵). پس از جدایی روانشناسی از فلسفه، روانشناس انگلیسی به نام بارتلت، مفهوم طرحواره را از حوزه فلسفه به

حوزه روانشناسی منتقل کرد (Davis and Tall 2002، 141). به موازات روانشناسان، فلاسفه غرب نیز مسیری که کانت آغازگر آن بود را ادامه دادند و به پیشرفت‌هایی دست یافتند. با این حال کاربست این مفهوم در منابع علمی رشته معماری غالباً معطوف به نظرات و دستاوردهای حوزه روانشناسی بوده است.

۴-۱-۱. طرحواره از منظر علم روانشناسی

• تعریف طرحواره
مفهوم طرحواره از سال ۱۹۷۵ میلادی در محافل علمی روانشناسی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفت. صاحب‌نظران و پژوهشگران مطابق با جدول ۱، تعریف‌های متعددی با تأکید بر یک یا چند ویژگی طرحواره ارائه نمودند که آشنایی با آن‌ها، فهم جامع‌تری از چیستی و جایگاه آن‌ها در ذهن و کنش‌های شناختی انسان ایجاد می‌کند.

جدول ۱: تعریف طرحواره ذهنی از دیدگاه صاحب‌نظران و پژوهشگران در حوزه روانشناسی

صاحب نظر	تعریف طرحواره
Piaget (1971)	طرحواره، ساختار شناختی فرد و هدایت‌گر عمل او است.
Slavin (1991)	طرحواره شبکه‌هایی از مفاهیم یا اندیشه‌ها یا روابط مرتبط به هم در حافظه افراد است و جذب و درک اطلاعات تازه را برای آنان فراهم می‌کند.
Seifert (1991)	طرحواره هدایت‌کننده عملیات پردازش خبر و به عبارتی دیگر میانجی ادراک به شناخت است.
Neisser (1977)	طرحواره در درون فرد ادراک‌کننده است و تا حدودی ویژه چیزی است که ادراک می‌شود. طرحواره اطلاعات را قبول و تحت تأثیر اطلاعات کسب شده تغییر می‌کند.
Chinnappan (1998)	طرحواره، انبوهی از دانش، شامل مفاهیم اصلی، رابطه میان این مفاهیم و همچنین چگونگی به کارگیری آن‌ها است و به صورت ساختارهای سازمان‌یافته دانش رفتار می‌کند.
Young, Klosko, and Weishaar (2015)	طرحواره، نمایشی انتزاعی از ویژگی‌های متمایز یک رویداد و نوعی طرح اولیه از برجسته‌ترین عناصر آن است و همچنین به عنوان راهنمای تفسیر اطلاعات و حل مشکلات عمل می‌کند.
Wright, Thase, Basco (2017)	طرحواره‌ها الگوهایی برای گزینش اطلاعات از محیط پیرامونی، تصمیم‌گیری‌ها و هدایت الگوهای مشخص رفتار انسان هستند.
Newton et al, (2018)	طرحواره، مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها یا انتظارات قبلی انسان درباره دنیای پیرامونی‌اش است
سیف (۱۳۸۴)	طرحواره شبکه‌ای از مفاهیم در حافظه است و انسان را قادر به درک و جذب اطلاعات تازه می‌کند.
اسدزاده، محمودی‌راد، و فرخی (۱۳۸۷)	طرحواره، پیش‌دانسته‌های سازمان‌یافته‌ای هستند که انسان را در ادراک، تعبیر و تفسیر واقعیت‌های دنیای پیرامونی کمک می‌کند.
سالم‌قهفرخی، رضایی، رستمی و علی‌خواه (۱۳۹۹)	طرحواره ساختاری سازمان‌یافته از تجارب شناختی و ذخیره شده در حافظه درازمدت انسان است و به او در بازیابی اطلاعات پردازش شده قبلی و تفسیر اطلاعات جدید کمک می‌کند.

• عناصر و انواع طرحواره

در نظریه طرحواره، عناصر سازنده طرحواره، متغیرهایی هستند که به آنها حفره و یا مشخصه گفته می‌شود. حد و مرز این مقادیر، تجربیات یک شخص از یک مفهوم خاص را منعکس می‌کنند. متغیرهای سازنده یک طرحواره اغلب به یکدیگر وابسته‌اند و می‌توانند توسط یکدیگر مقادیرشان محدود

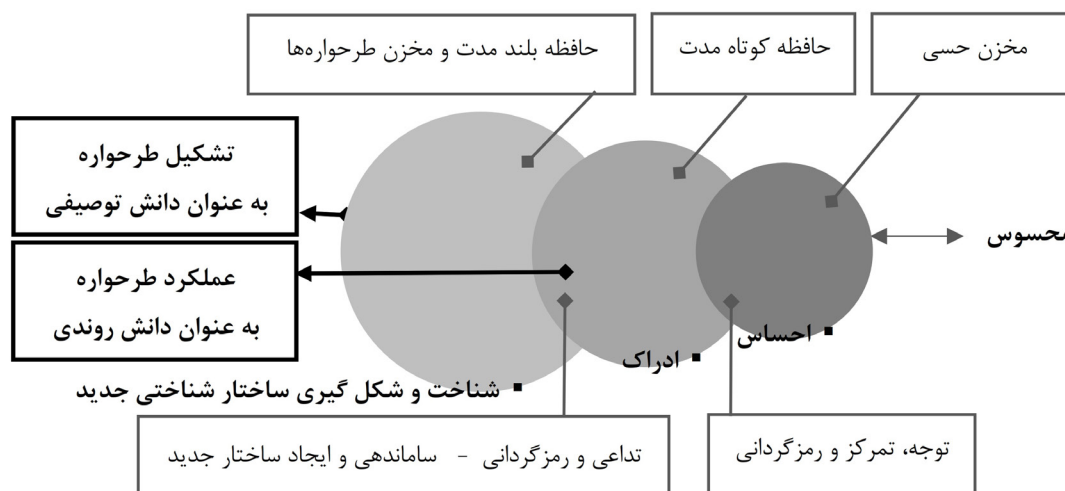
شود. در زمینه نوع ارتباط درونی میان متغیرها، می‌توان به شبکه‌های سلسله‌مراتبی اشاره کرد که در آن هر طرحواره هم شامل زیرطرحواره و هم جزئی از یک یا چند طرحواره بزرگتر دانسته می‌شود به گونه‌ای که تمامی ویژگی‌های طرحواره بزرگتر همراه با جزئیات بیشتری از آن را دارا است. بنابراین طرحواره‌ها در همه مقیاس‌ها حضور دارند و در شبکه سلسله

خود، نسخه دقیقی از اطلاعات را در حافظه حسی خود ذخیره می‌کند. در مرحله ادراک، فرد بخشی از این اطلاعات حسی را مورد توجه و تمرکز انتخابی خود قرار می‌دهد و پس از رمزگردانی به حافظه کوتاه‌مدت خود منتقل می‌کند. رمزهای ادراک شده در این حافظه نیز به مدت محدودی ذخیره می‌شوند اما با تکرار و مرور ذهنی می‌توان مدت حضور آنها را در این حافظه افزایش داد. با پردازش ادراکات و انتقال آنها به حافظه درازمدت، مرحله سوم و فرآیند شناخت تکمیل می‌شود. در این مرحله، ادراکات از طریق تکرار و مرور ذهنی و بسط یا گسترش معنایی، رمزگردانی و سپس در حافظه درازمدت ساماندهی می‌شوند. روانشناسان به این اطلاعات رمزگزاری و سامان‌یافته، طرحواره می‌گویند. در واقع فرایند تبدیل ادراک به شناخت، از طریق فعال شدن طرحواره‌های پیشین فرد و معنادار کردن ادراکات او انجام می‌شود و تقویت یا تغییر طرحواره فعال شده یا شکل‌گیری طرحواره‌های جدید را به همراه دارد. به بیانی دیگر طرحواره ابتدا حد و مرز هر تجربه را تعیین می‌کند، سپس از راه همان تجربه دستخوش تغییر و شکل‌گیری طرحواره‌های جدید در ساختارشناختی فرد می‌شود (محمدعلی‌نژاد ۱۳۸۹، ۳۱-۶۲).

مراتبی با سطوح مختلف به یکدیگر پیوند یافتند (هرگنهان و السون ۱۳۷۹، ۳۲۷) و به عنوان واحد ساختاری حافظه به صورت کل تعریف می‌شود (khol and Scheiter 2008). بیگز و مور (۱۹۹۳) طرحواره‌ها را در به دسته کلی تقسیم کردند شامل طرحواره صوری و طرحواره‌های موضوعی. طرحواره‌های صوری به ساختار اطلاعات و طرحواره موضوعی به محتوا اشاره دارد (سیف ۱۳۸۴، ۳۰۹) که به صورت کلی منسجم در حافظه ذخیره می‌شوند (محمدعلی‌نژاد ۱۳۸۹، ۱۰۳).

• عملکرد طرحواره

آشنایی با رویکرد پردازش اطلاعات در روانشناسی شناختی و دستگاه شناختی انسان در روانشناسی رشد، می‌تواند تصویر روشنی از فرآیند شناخت و عملکرد طرحواره‌ها در آن بدست آورد. رویکرد پردازش اطلاعات معتقد به نوعی توالی و ترتیب بر عملیات ذهنی است (سولسو ۱۳۸۱، ۲۱) و فرآیند شناخت هر موجود محسوس را مطابق با شکل ۱، شامل سه گام احساس، ادراک و شناخت می‌داند که در آن اطلاعات دریافت، دگرگون و بازنمایی مناسبی از آنها در ذهن ساخته می‌شود. در مرحله احساس، فرد به کمک گیرنده‌های حسی



تصویر ۲: فرآیند شناخت از منظر روانشناسی رشد و روانشناسی شناختی (محمدعلی‌نژاد ۱۳۸۹، ۳۱-۶۲)

می‌شود. فرد طبق تجارب قبلی‌اش به محیط پاسخ می‌دهد اما از آنجا که هر تجربه تازه، شامل جنبه‌هایی است که با آنچه قبلاً تجربه کرده است، تفاوت دارد، تحول ذهنی و تغییر در ساختارشناختی او ایجاد می‌شود. پیازه این رابطه دوسویه میان جذب و انطباق را سازگاری در جهت برقراری تعادل می‌داند (khol and Scheiter 2008، 9). بر این اساس نتیجه هر کنش شناختی انسان را می‌توان طرحواره‌ای دانست

از نظر پیازه، پدر علم روانشناسی رشد، در یک کنش شناختی، ذهن انسان با توجه به ساختارشناختی خود، واکنشی در مسیر سازگاری بیشتر بروز می‌دهد (سولسو ۱۳۸۱، ۴۷۸). این سازگاری از طریق پاسخدهی طرحواره‌ها به دو شکل جذب و انطباق است. در واقع همه تجربه‌ها مستلزم دو فرآیند مهم است؛ بازشناسی و دانستن اینکه کدام تجربه با جذب مطابق است و دیگری انطباق که موجب تغییر در ساختارشناختی

که قادر به تقویت، بسط و گسترش یا تغییر طرحواره‌های موجود در ذهن او است و به عنوان ساختارشناختی جدید در حافظه درازمدت ذخیره و مبنایی برای پیوند ادراک به شناخت در تجارب آتی او می‌شود (محمدعلی نژاد ۱۳۸۹، ۶۱).

۴-۱-۲. طرحواره‌های ذهنی معماران

طرحواره به عنوان ساختار زنده، درهم تنیده، منسجم و رشدیابنده، نقش مهمی در فرآیند ادراک و طراحی معماران ایفا می‌کند (تفضلی ۱۳۹۲، ۲۸-۲۹). بر پایه نظریه طرحواره در حوزه روانشناسی، طرحواره‌های ذهنی معماران را می‌توان معرف دو گونه از دانش شامل دانش توصیفی و دانش روندی دانست. دو گونه‌ای که از ویژگی طرحواره به عنوان یک کل منسجم نشأت می‌گیرد. دانش توصیفی، حاصل کنش شناختی معماران در مواجهه با محیط طبیعی و مصنوع است که به صورت رمزهای سامان‌یافته در حافظه درازمدت او ذخیره می‌شوند. این رموزها تصاویر ذهنی و مفاهیم مرتبط به آنها می‌باشند. اطلاق دانش روندی، به عملکرد طرحواره‌ها به عنوان چارچوب‌های شناختی در پیوند ادراک به شناخت معماران و از سویی دیگر به فرآیندهای شناختی پیچیده‌تر تفکر و حل مسائل طراحی اشاره دارد (محمدعلی نژاد ۱۳۸۹، ۶۲-۶۱).

تفکر را می‌توان توجه به نسبت و رابطه میان مفاهیم و حرکت کردن میان آنها که نوعی حرکت در میان طرحواره‌های ذهنی است تفسیر کرد و هر چه طرحواره‌های ذهنی معمار غنی‌تر و قابل تفسیرتر باشد، امکان حرکت، تغییر و برقراری ارتباط بیشتر و متنوع‌تر با دیگر مفاهیم به وجود می‌آید و موجب خلاقیت و نوآوری بیشتر در طراحی می‌شود (تفضلی ۱۳۹۲، ۲۹). به بیانی دقیق‌تر حافظه طراح، به مثابه ساختاری پویا و فعال در تفکر طراحی دانسته می‌شود، ساختاری که متشکل از شبکه پیچیده و در هم تنیده از طرحواره‌های ذهنی است و با ایجاد زمینه پذیرش داده‌ها و ایده‌های جدید نقشی سازنده در پیشبرد فرآیند طراحی و تغذیه تفکر خلاق و نقاد تا رسیدن به محصول نهایی ایفا می‌کند. به عبارتی هسته مرکزی و شاه کلید ورود به طراحی و تحقق فرآیند حل مساله، با اتکا بر اندوخته‌های ذهنی یا همان طرحواره‌های ذهنی طراح است. طراح در آغاز تفکر طراحی و با بهره‌گیری از تفکر خلاق و پشتوانه طرحواره‌های مرتبط با مسئله طراحی، تلاش می‌کند به مفاهیم و روابط جدید دست یابد. ایجاد ارتباطی نو در ساختار طرحواره‌های موجود، تغییر در روابط درونی یک طرحواره و یا روابط بین طرحواره‌ها از جمله روش‌های ممکن برای دستیابی طراح به ترکیب‌های جدید و ایده‌های نو است. به طرحواره‌هایی که در این فرآیند فعال می‌شوند طرحواره‌های مبنا گفته می‌شود و این فرآیند تا شکل‌گیری طرح نهایی ادامه

پیدا خواهد کرد. در تفکر نقاد، ذهن طراح طرحواره‌هایی را به عنوان معیار و میزان می‌پذیرد و بر مبنای آن‌ها به ارزیابی و قضاوت در فرآیند تفکر طراحی و در صورت لزوم اصلاح طرحواره‌ها می‌پردازد. به این طرحواره‌ها، طرحواره‌های معیار گفته می‌شود که در تعامل پیوسته با طرحواره‌های مبنا به شکل موازی، تفکر طراحی معماری را تا شکل‌گیری طرح نهایی پشتیبانی می‌کنند (محمودآبادی و میرجانی ۱۴۰۱، ۶-۱۲).

۴-۲. نظام معرفت‌شناسی صدرایی

فلسفه معرفت شامل دو بخش معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی معرفت است. در فلسفه معرفت صدرای، این دو بخش به شدت با یکدیگر آمیختگی دارند و متناظر با آن‌ها، دو واژه «ماهیت» و «وجود» دیده می‌شود (رئیس سمیعی ۱۳۸۴، ۳۵-۳۶؛ خسرو پناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۴۲-۴۱). چراکه هر پدیده دارای دو بعد وجودی و ماهوی است و شناخت هر پدیده مستلزم پاسخ به دو پرسش از هستی و چیستی آن است. پاسخ پرسش از هستی بر وجود پدیده و پاسخ پرسش از چیستی، ماهیت آن را توصیف می‌کند (سلیمانی شیجانی، خاکپور، و رئیس سمیعی ۱۳۹۳، ۵۹-۶۰). با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر چیستی و ماهیت طرحواره‌ها تمرکز یافته است، نظام معرفت‌شناسی صدرایی به عنوان بخش دیگری از چارچوب نظری پژوهش، مورد مذاقه قرار گرفت. ورود به این مبحث مستلزم آشنایی با برخی مبانی فلسفه صدرای است که در ادامه ابتدا این مبانی و سپس نظام معرفت‌شناسی شرح داده می‌شود.

۴-۲-۱. مبانی فلسفه صدرای

صدرای، با تکیه بر مبانی فلسفی‌اش، نوآوری‌های بی‌نظیری را ارائه نمود. از میان آن‌ها، مبانی تاثیرگذار بر این پژوهش به شرح ذیل می‌باشند.

• وجود:

در فلسفه صدرای وجود، پاسخ پرسش از هستی یک پدیده تعریف می‌شود و آگاهی انسان از آن، بی واسطه و شهودی است (علی‌تاجر ۱۳۸۳، ۹۳-۹۰). وجود، با علم مساوت دارد (ایمانی و دیگران ۱۳۹۰، ۵۴) و واقعیتی است که ماهیت آن پدیده را تعیین می‌کند، ماهیتی که پدیداری ذهنی است (زمانی و فرکیش ۱۳۹۸، ۳؛ سلیمانی شیجانی، خاکپور، و رئیس سمیعی ۱۳۹۳، ۶۰).

• اصالت وجود:

مبنای اصلی و محور همه عناصر و احکام فلسفی صدرای، اصالت وجود است (ایمانی و دیگران ۱۳۹۰، ۵۱). از نظر ایشان

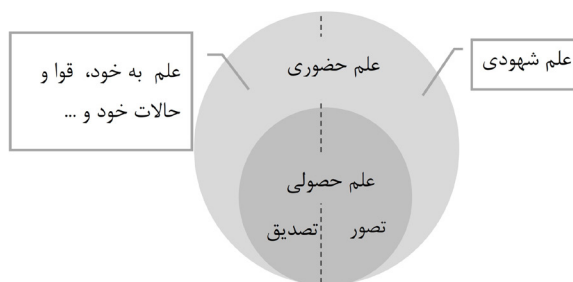


۲۰۲۰۴. معرفت‌شناسی معرفت در فلسفه صدرا از دیدگاه صدرا، علم مساوق وجود است و نفس با حرکت جوهری در مراتب وجود، علم و معرفت کسب می‌کند و استعلا می‌یابد (ایمانی و دیگران ۱۳۹۰، ۵۵) برای آشنایی با این سیر تکاملی، پرداختن به اقسام، منابع، ارکان و فرآیند دستیابی به معرفت سودمند می‌باشد.

• اقسام معرفت

ملاصدرا برای علم، دو قسم حضوری و حصولی را بر می‌شمرد (خسرو پناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۵۶). ملاک این تقسیم، حضور با واسطه یا بی‌واسطه معلوم نزد عالم است. در علم حضوری، معلوم بی‌واسطه نزد عالم حاضر است و با آن اتحاد دارد. در علم حصولی میان معلوم و عالم، صور و مفاهیم ذهنی به عنوان واسطه وجود دارند (موسی‌زاده و عباس‌زاده ۱۴۰۰، ۲۹؛ ذاکری و عمادزاده ۱۳۹۶، ۸۹). در واقع علم حضوری در تمامی مراتب ادراک حضور دارد (رضازاده‌جودی ۱۳۹۱، ۷) و علم حصولی در سایه آن تحقق می‌یابد (موسی‌زاده و عباس‌زاده ۱۴۰۰، ۸)

مطابق با شکل ۳، از نظر ملاصدرا، علم حضوری به دو دسته قابل تقسیم است (ذاکری و عماد زاده ۱۳۹۶، ۸۸). دسته نخست، تجربه و دستیابی به آن برای همگان امکان‌پذیر است، علم نفس به خود، قوای خود، افعال و حالاتش از مصادیق آن هستند (ایمانپور ۱۳۹۸، ۱۶۹). دسته دیگر که دسترسی به آن برای نفس دشوارتر است، علم شهودی نامیده می‌شود (ذاکری و عماد زاده ۱۳۹۶، ۸۸). ایشان علم حصولی را نیز به دو قسم، تصور و تصدیق تقسیم می‌کند (خسرو پناه ۱۳۹۵، ۱۱۳). این دو قسم دوگونه از وجود ذهنی و واسطه بدست آمدن معلومات دیگر در ذهن هستند. علم حصولی همه جا به معنای تصور است منتها گاهی این تصور بعینه حکم یا مستلزم حکم است که آنگاه تصدیق نامیده می‌شود. به بیانی دیگر اثر تصور، حصول خود شی در ذهن و اثر تصدیق، صیورت شی به شی دیگری است (خسرو پناه و پناهی آزاد ۱۳۸، ۶۱-۶۴).



تصویر ۳. اقسام معرفت از منظر فلسفه صدرا (نگارندگان برگرفته از ذاکری و عماد زاده ۱۳۹۶، ۸۸؛ ایمانپور ۱۳۹۸، ۱۶۹)

وجود، یگانه چیزی است که متن واقعیت را تشکیل می‌دهد و اصالت دارد. همه اشیاء، در هویتی واحد به نام وجود اشتراک دارند و تفاوت آن‌ها در برخورداری از مراتب مختلف و به دنبال آن ظهورات متفاوت است (ایزدپور و دیگران ۱۴۰۲، ۷۵). از این رو از میان وجود و ماهیت یک پدیده، وجود اصالت دارد (زمانی و فرکیش ۱۳۹۸، ۴).

• وحدت وجود:

ملاصدرا در عین پذیرفتن کثرت معلومات به واسطه برخورداری از مراتب مختلف وجود، اثبات وحدت می‌کند و همان را که موجب وحدت می‌داند، علت تمایز و کثرت برمی‌شمرد. به بیانی دیگر از نظر ایشان، واقعیات تشکیل دهنده جهان در وجود اشتراک دارند اما در بهره‌مندی از آن یکسان نیستند (ایزدپور و دیگران ۱۴۰۲، ۷۵) و رابطه میان وحدت هستی و کثرت موجودات همچون رابطه اشعه خورشید با خورشید می‌باشد. اشعه خورشید خود خورشید نیست با این حال چیزی به جز خورشید نیز نیست (صدیقی و دیگران ۱۳۹۹، ۲۹۷).

• تشکیک وجود:

از نظر صدرا وجود، یگانه و واحد است، نظام سلسله مراتبی و مشکک دارد (صدیقی و دیگران ۱۳۹۹، ۲۹۷) و در مراتب مختلفی ظهور می‌یابد. باری تعالی در بالاترین مرتبه و اصل و منشا تمام مراتب وجودی دیگر است (هاشم‌پور و بیدهندی ۱۳۹۹، ۵۵۵).

• وحدت قوا در نفس:

در فلسفه صدرا قوا با نفس انسان به وحدت رسیده‌اند و همه قوا و مراتب آن عین نفس و موجود به وجود نفس می‌باشند و وجودی زائد بر نفس ندارند (رفیعی ۱۳۹۴، ۱۰۱).

• حرکت جوهری:

صدرا، جهان مادی را مشمول تغییر و تحولی دائمی می‌داند و معتقد است که نفس انسان در ابتدا موجودی جسمانی است و به تدریج و با حرکت جوهری مراتب مختلف وجودی را گذر کرده و تعالی می‌یابد (معین مهر و مجیدی ۱۴۰۱، ۱۰۵؛ مظفر و دیگران ۱۳۹۳، ۱۹). در واقع حرکت جوهری، حرکت در باطن ماده است (متولی حقیقی، صحاف و کمالی زاده ۱۴۰۲، ۵۲) و اتحاد وجودی انسان با هر مرتبه از آن، علم ویژه آن مرتبه را برای او به همراه دارد (هاشم‌پور و بیدهندی ۱۳۹۹، ۵۶۱). علمی که شامل تمام کمالات مراتب قبل است و با صعود انسان به مرتبه بالاتر، ارتباطها، انسجام و کلیت بیشتر آن مرتبه را نیز شامل می‌شود (ایمانی و دیگران ۱۳۹۰، ۶۱). تشکیک وجود نیز در همین راستا به دارا بودن هر مرتبه از خواص مرتبه قبل و محروم بودن از کمالات مرحله بعد اشاره دارد (معین مهر و مجیدی ۱۴۰۱، ۱۰۵).

• منابع معرفت

منابع معرفت، سرچشمه‌های کسب معرفت توسط نفس می‌باشند. صدرا ادراک را حاصل سیر نفس در عوالم هستی با مراتب و درجات متعددی شامل عالم طبیعت و محسوسات، عالم مثال و عالم عقل و عالم اسما و صفات الهی می‌داند (تقدیر ۱۳۹۶، ۶۱). به اعتقاد ایشان، هر مرتبه، ظاهر مرتبه بالاتر و باطن مرتبه پایین‌تر است و باری تعالی، قوی‌ترین و شدیدترین مرتبه وجودی و منشاء تمام مراتب وجودی دیگر است. این دیدگاه صدرا معنای عمیقی از تاویل ارائه می‌دهد که به وسیله آن نفس از جهان مادی به باطن آن که حقیقت آن است دست می‌یابد و باری تعالی، تاویل همه عوالم و مراتب وجودی یا همان تاویل نهایی عالم است (هاشم پور و بیدهندی ۱۳۹۹، ۵۵۵-۵۵۹).

• ارکان معرفت

در نظام معرفت‌شناسی صدرایی، تحقق و تکون معرفت وابسته به سه رکن علم، عالم و معلوم می‌باشد. این سه رکن در عالم عین از یکدیگر جدا نبوده و هر سه همواره همراه یکدیگرند. علم، مجرد و امری وجودی است و برای عالم (فاعل شناسا) تحقق می‌یابد. عالم نیز از یک سو واجد نقش پذیرنده صور و از سویی دیگر نقش ابداعی و خلاق دارد و می‌تواند به ابداع صور علمی بپردازد. رکن دیگر معرفت، معلوم یا متعلق معرفت است و صدرا با تاکید بر تجرد معلوم، آن را دارای سه قسم حسی، خیالی و عقلی می‌داند (خسرو پناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۱۳۲-۱۳۱).

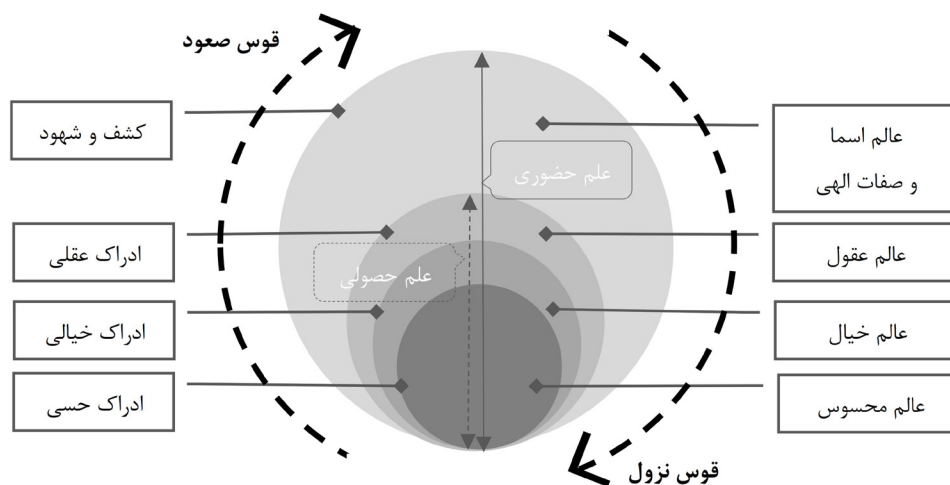
• فرآیند و مکانیسم معرفت

در دیدگاه صدرا انسان، حقیقتی با مراتب گوناگون است و به وجه استعداد و قوا، تمام آنچه که در عالم وجود دارد را دارا است. بدن در نازلترین مرتبه نفس است و با بلوغ جسمی و معنوی، کسب معرفت و رشد باطنی، در مسیر تکامل قرار می‌گیرد (نقره‌کار، مظفر، و تقدیر ۱۳۹۶، ۸۱). از نظر ایشان معرفت بر اساس حرکت جوهری نفس و در مراحل اشتدادی، در قالب دو سیر صعودی و نزولی تحقق می‌یابد. در قوس صعود، نفس با اتحاد با معلوم صورت جدیدی می‌پذیرد (ارشدریاحی، جلیلی بهابادی و صادقی حسن‌آبادی ۱۳۹۸، ۶۹) و از عالم محسوس به عالم عقل صعود می‌کند (احمدی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۴، ۱۰) و در قوس نزول از عالم تجرد به عالم مثالی و سپس در عالم ماده وجود یابد (منصوری و رحیم‌پور ۱۴۰۱، ۱۷۱). این مطلب اصل تناظر میان قوس صعود و نزول را در فلسفه صدرا نشان می‌دهد که در قوس صعود حرکت از جز به کل و در قوس نزول حرکت از کل به جز در مرتبه‌هایی متناظر است (عباسی حسین آبادی و دیگران ۱۴۰۱، ۱۹۳). با توجه به این تناظر، در این پژوهش به تشریح معرفت‌یابی در قوس

صعود اکتفا می‌شود.

به اعتقاد صدرا معرفت نوعی تحول و تکامل نفس و یافتن وجودی تازه است و مراتب ادراک جدا از مراتب وجود نمی‌باشد (ارشد ریاحی و واسعی ۱۳۹۰، ۱۱-۴۲). ایشان در قوس صعود، برای ادراک حصولی یک پدیده عینی، سه مرتبه قائل است که بر یکدیگر ترتب دارند. مطابق با شکل ۴، نخستین مرتبه، ادراک حسی، مرتبه برتر از آن، ادراک خیالی و در نهایت برترین مرتبه، ادراک عقلی است. ادراک در هر مرتبه با عاملیت ادراک در مرتبه بالاتر خود تحقق می‌یابد. ادراک خیالی و عقلی به ترتیب علت تکون ادراک حسی و ادراک خیالی می‌باشند (خسرو پناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۲۴۴). ادراک در مرحله سوم می‌تواند به معرفت بی واسطه نفس، معرفت قلبی-شهودی، ارتقا یابد که همان دست‌یابی نفس به علم حضوری است (تقدیر و صمیمی‌فر ۱۴۰۱، ۴). ادراک حسی: مرحله اول ادراک، ادراک حسی از محسوسات عالم و مقدمه شناخت حصولی برای انسان است (خسرو پناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۲۵۰). پس از ادراک محسوس با کمک حواس پنجگانه (قوای ظاهری)، حس مشترک که یکی از قوای باطنی است آن را درک و صورتی ذهنی متناسب با آن را بازسازی می‌کند و به آن وجود می‌بخشد. صورت ذهنی ایجاد شده در قوه خیال که خزانه صور است نگهداری می‌شود و در صورت عدم حضور محسوس نیز انسان از راه حس مشترک و با مراجعه به این قوه، آن را می‌تواند ادراک کند. در مرحله ادراک حسی، معانی جزئی نظیر محبت به مادر و یا فرزند نیز توسط قوه‌ی باطنی واهمه درک و در حافظه، یکی دیگر از قوای باطنی و مخزن معانی، نگهداری می‌شوند (تقدیر ۱۳۹۶، ۵۵).

ادراک خیالی: ملاصدرا دو عالم خیال را معرفی می‌کند خیال متصل و خیال منفصل (نقره‌کار، مظفر و تقدیر ۱۳۹۶، ۸۴). صورتی از محسوس که پس از پنهان شدن، در نفس و در مرتبه خیال متصل باقی می‌ماند، ادراک خیالی نامیده می‌شود (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۸ ج ۳، ۳۶۲-۳۶۰) این صورت توسط حس مشترک درک و در قوه خیال ذخیره می‌شود. قوه متصرفه می‌تواند در این صورت تصرف کند و صورت‌های نوینی بیافریند که این صورت‌ها نیز توسط حس مشترک درک می‌شوند و در مرتبه ادراک خیالی قرار دارند. نوع دیگر صورت‌های خیالی صورت‌های دریافتی از عالم خیال منفصل می‌باشند. این عالم قائم به ذات و مستقل از نفوس جزئی می‌باشد و در میان عالم خیال متصل و عالم عقول قرار دارد (تقدیر ۱۳۹۶، ۵۶؛ نقره‌کار، مظفر، و تقدیر ۱۳۹۶، ۸۴)



تصویر ۴: مراتب هستی و معرفت در نظام معرفت‌شناسی صدرایی (نگارندگان برگرفته از ذاکری و عماد زاده ۱۳۹۶، ۹۱-۹۲؛ تقدیر ۱۳۹۶، ۶۰-۶۱)

حاصل می‌شود (تقدیر و صمیمی فر ۱۴۰۱، ۴) و معرفت حقیقی به موجودات را برای نفس میسر می‌کند (ایمانپور ۱۳۹۸، ۱۶۵). در این فرایند کسب معرفت، یک نکته حائز اهمیت از نظر صدرای حرکت جوهری نفس و مجرد شدن یک امر مادی همراه با مجرد شدن نفس است و نفس در هر مرتبه ای از مراتب هستی قرار گیرد آن معلوم را با شرایط آن مرتبه درک می‌کند و تغییری در ادراکات بدست آمده از آن معلوم در مراتب پایین‌تر رخ نمی‌دهد به بیانی دیگر محسوس، معقول نمی‌شود (ضیایی قهنویه، کشفی، و ابراهیمی ۱۳۹۴، ۳۰) و دستیابی به ادراک در هر مرتبه از طریق تاویل معرفت به واسطه حضور نفس در آن مرتبه است (هاشم‌پور و بیدهندی ۱۳۹۹، ۵۶۰-۵۶۱) و با تعالی نفس رشد معرفت نیز اتفاق می‌افتد (حسینی شاهرودی و اسکندری ۱۳۳۳، ۷۸) مراتب ادراک و برخی از ویژگی‌های ذکر شده برای هر مرتبه در جدول ۲ آورده شده است.

ادراک عقلی: این ادراک در عالم عقول رخ می‌دهد. این عالم، عالم مجردات است و ماورای صورت و مظاهر صوری است (نقره‌کار، مظفر، و تقدیر ۱۳۹۶، ۸۴) در ادراک عقلی، حضور ماده محسوس شرط نمی‌باشد و قلمرو آن ادراکات کلی است. این ادراکات شامل دو گونه تصدیق و یا تصور است و با نام وجود ذهنی شناخته (خسرو پناه و پناهی آزاد ۱۳۸۸، ۲۶۳-۲۴۷) و در قوه حافظه نگهداری می‌شوند (تقدیر و صمیمی فر ۱۴۰۱، ۶). در یک دسته بندی دیگر این ادراکات به دو نوع معقولات اولی و معقولات ثانیه تقسیم می‌شوند. معقولات اولی از ادراکات جزئی خیالی بدست می‌آیند و مفاهیم ماهوی هستند. معقولات ثانیه نیز شامل مفاهیم فلسفی و معقولات منطقی می‌باشد (خسرو پناه ۱۳۹۵، ۱۳۲-۱۲۵). علاوه بر مراتب ادراکی ذکر شده انسان دارای یک مرتبه مهم ادراکی دیگر به نام ادراک شهودی است که ادراک بی‌واسطه نفس است که از طریق آن علم حضوری برای نفس

جدول ۲: مراتب ادراک و ویژگی‌های هر یک در نظر ملاصدرا (تقدیر ۱۳۹۶، ۶۱؛ نقره‌کار، مظفر، و تقدیر ۱۳۹۶، ۸۹)

مراتب ادراک	مراتب عالم هستی	قوای نفس (منابع معرفت در هر مرحله)
ادراک حسی	عالم محسوس	قوای ظاهری
		بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه
ادراک خیالی	عالم خیال متصل	قوای باطنی
		حس مشترک: مدرک صورت واهمه، خیالی، حافظه، متصرفه
	علم خیال متصل	قوه باطنی
		حس مشترک: مدرک صورت واهمه: مدرک معانی جزئی خیال: مخزن صور حافظه: مخزن معانی متصرفه: تصرف در صور و معانی جزئی
ادراک عقلی	عالم عقول عالم خیال متصل	عقل نظری
		حافظه: مخزن معانی متصرفه: تصرف در صور و معانی جزئی
ادراک قلبی - شهودی	عالم اسما و صفات الهی	قلب یا عقل شهودی
		ادراک بی‌واسطه معانی توسط نفس حافظه: مخزن معانی

۵ بحث

در این بخش ابتدا دیدگاه روانشناسان درخصوص طرحواره با اصول فلسفی و نظام معرفت‌شناسی صدرایی تطبیق و یافته‌های آن در قالب وجوه اشتراک و افتراق میان دو دیدگاه ارائه می‌شود. در ادامه با توجه به این یافته‌ها، طرحواره‌های ذهنی معماران در ادراک و خلق آثار مصنوع، جهت استدلال ماهیت طرحواره‌های ذهنی معماران و تبیینی نو و جامع از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. تطبیق نظریه طرحواره با دیدگاه صدر

- از انطباق نظریه طرحواره با اصول فلسفی صدر، وجوه اشتراک و افتراقی بدست آمد که عبارتند از:
 - در هر دو نظریه رابطه میان ذهن و عین مورد تأیید می‌باشد. در روانشناسی، طرحواره‌های ذهنی بازنمای انتزاعی پدیده عینی معرفی می‌شوند (kholi and Scheiter 2008, 2-3) و اصل، با پدیده عینی است. در حالی که از نظر صدر، اصالت با وجود است و وجود خارجی و وجود ذهنی هر دو ظهوری متفاوت از حقیقتی یگانه به شمار می‌آیند (حسینی شاهرودی و اسکندری ۱۳۹۶، ۸۴).

- ساختار سلسه مراتبی طرحواره‌های ذهنی قابل تطبیق با اصل تشکیک وجود در فلسفه صدر است که در آن ادراک پدیده دارای مراتب اشتدادی است و به سمت کلیتی منسجم و یکپارچه سوق پیدا می‌کند. به تعبیری دیگر ملاصدرا همانند تعریف روانشناسان از طرحواره، وجود ذهنی را کلیتی منسجم، یکپارچه و مشکک از مدرکات انسان می‌داند.

- مطابق با اصل حرکت جوهری که نفس در مراتب وجود استعلا می‌یابد و عالم مادی به عالم مجرد حرکت می‌کند (ایمانی و دیگران ۱۳۹۰، ۵۵)، در نظریه طرحواره نیز ادراک از عناصر مادی به سمت معنا در ذهن حرکت می‌کند (شریف و محمدعلی نژاد ۱۳۹۱، ۳۰). بر مبنای این اصل، در مسیر کسب معرفت، رشد معرفت نیز رخ می‌دهد که منطبق با گسترش طرحواره‌ذهنی در تجارب شناختی است.

- از انطباق نظریه طرحواره با نظام معرفت‌شناسی صدرایی نیز یافته‌های زیر حاصل شد:

- ملاصدرا قائل به روشی جامع در کسب معرفت است که از آن به «تأویل» یاد می‌کند و در آن هر کس متناسب با سعه وجودی خود با مراتب هستی متحد و به فهمی از معرفت حقیقی واحد، دست می‌یابد و با توجه به تعدد مراتب وجودی، فهم‌های متعددی از حقیقت امکانپذیر است (هاشم‌پور و بیدهندی ۱۳۹۹، ۵۶۰-۵۶۱)، اما در نظریه طرحواره فرآیند شناخت و حصول طرحواره اینگونه تعریف نشده است. در

نظریه طرحواره، ادراک از طریق انتزاع صورت می‌پذیرد (محمودآبادی و میرجانی ۱۴۱۱، ۵). در انتزاع زمانی که انسان به پدیده‌ای عینی توجه می‌کند، صورتی از آن در ذهن او نقش می‌بندد که این صورت پس از طی مراحل ادراک از طریق انتزاع و حذف برخی از خصوصیات آن معنادار می‌شود (ضیایی قهنویه، کشفی، و ابراهیمی ۱۳۹۴، ۳۰) و طرحواره را تشکیل می‌دهد. در واقع ملاصدرا سازوکار انتزاع را در فرایند معرفت‌یابی صحیح نمی‌داند چرا که در آن ارزش معرفت در هر مرحله با حذف خصوصیات صور ادراکی کاهش می‌یابد (حسینی شاهرودی و اسکندری ۱۳۹۶، ۷۸). به اعتقاد ایشان در حرکت جوهری نفس، تغییر و تحول نه در صورت ادراکی بلکه در جوهر نفس اتفاق می‌افتد (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۰، ۳۳). صورت محسوسه و صورت معقول، نحوه وجودی خاص از وجود یگانه هستند (صدرالدین شیرازی ۱۳۶۰، ۲۴۱) و نفس در هر مرتبه وجودی، به معلوم با شرایط همان مرتبه علم می‌یابد (ضیایی قهنویه، کشفی، و ابراهیمی ۱۳۹۴، ۳۷) و بخشی از حقیقت باطنی آن را تأویل (هاشم‌پور و بیدهندی ۱۳۹۹، ۵۵۶) و با حرکت جوهری، معرفت خود را در مسیر رشد و تکامل قرار می‌دهد (حسینی شاهرودی و اسکندری ۱۳۹۶، ۷۸) در حقیقت ملاصدرا معتقد به تعالی کل از جز در معرفت است نه به باور روانشناسان انتزاع و درآمدن جزء از کل.

- در اندیشه صدر کسب علم و معرفت، تحول و تکامل نفس را به دنبال دارد (ارشد ریاحی و واسعی ۱۳۹۰، ۱۱) در نظریه طرحواره نیز ساختار شناختی انسان مدام در حال تغییر و گسترش است و میان تمام ادراکات و تجارب در نظامی سلسه مراتبی پیوستگی وجود دارد (محمدعلی نژاد ۱۳۸۹، ۳۳-۳۶). در واقع در هر دو دیدگاه انسان دائماً در حال گسترش درک خود از اجزا و پیوندهای آنان در هستی و به دنبال آن درک بیشتر از حقیقت است. با این حال در مقصد نهایی این تغییر و تجدد، تفاوتی میان دو نظریه دیده می‌شود. در فلسفه صدر وجود متشکل از روابط پیچیده و به هم پیوسته در بین مراتب مختلف است و معرفت در روندی صعودی خود به سمت وحدت، همگرایی، استکمال و جامعیت حرکت می‌کند و به حقیقت واحد که همان بالاترین مرتبه وجود است، منتهی می‌شود (ایمانی و دیگران ۱۳۹۰، ۵۹) اما در نظریه طرحواره، در زمینه بالاترین مرتبه در ساختار طرحواره، به عنوان عامل وحدت کثرت‌های هستی، سخنی به میان نیامده است.

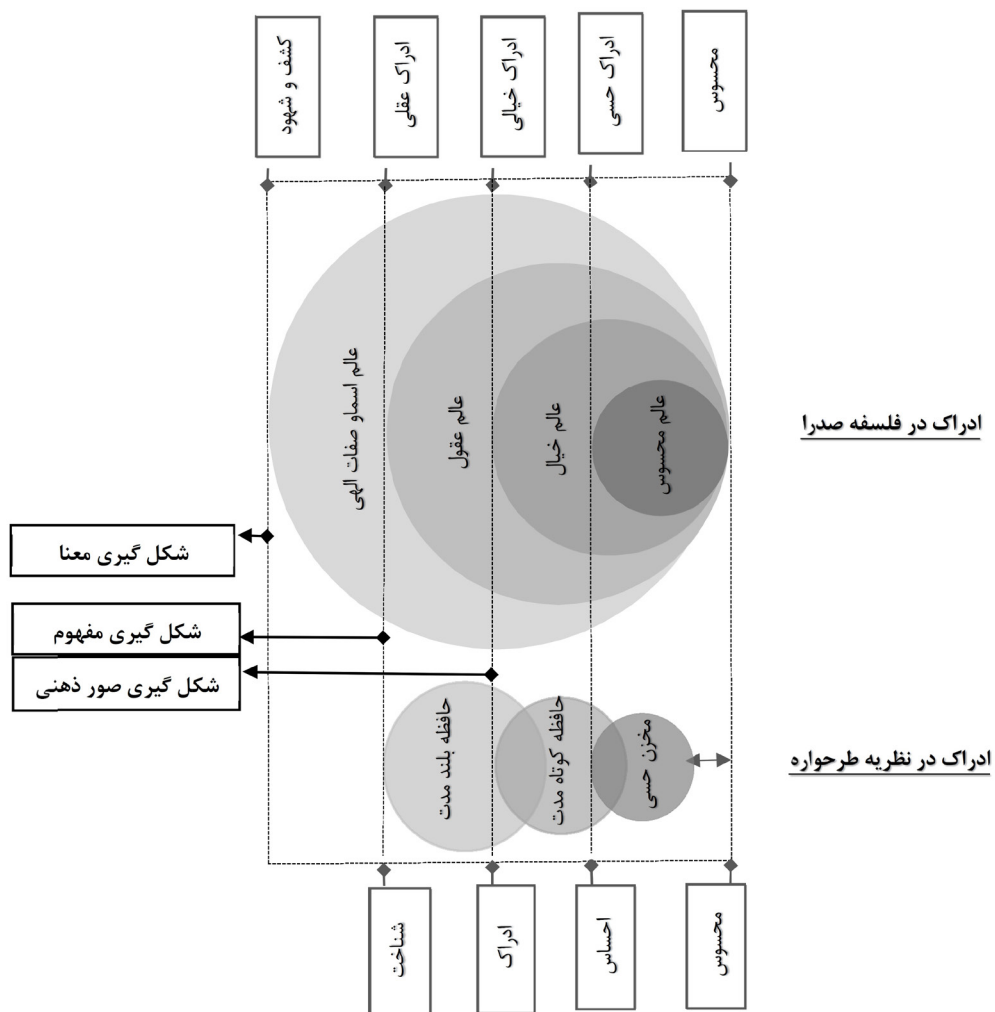
- در اندیشه صدر، مقایسه مصادیق در فرآیند معرفت یابی، فرع ادراک است چرا که ادراک یک صورت حسی مستلزم وجود مفهوم آن در ذهن است (ضیایی قهنویه، کشفی، و

می‌شود. ملاصدرا فرآیند دستیابی به ادراک حصولی را با گذر از سه مرتبه ادراکی تعریف می‌کند که تقریباً با مراتب شکل‌گیری طرحواره قابل انطباق است. مطابق با شکل ۵، طرحواره در مرحله پایانی شناخت در حافظه بلندمدت انسان ایجاد و ساماندهی می‌شود و دانش توصیفی او را شکل می‌دهد. این طرحواره در کنش‌های شناختی بعدی فعال شده و به عنوان دانش روندی با انتقال به حافظه کوتاه مدت به بازایی اطلاعات جدید یاری می‌رساند (محمدعلی نژاد ۱۳۸۹، ۶۱). طرحواره به عنوان دانش توصیفی، در دیدگاه صدرا قابل انطباق با وجود ذهنی تاویل یافته در مرحله ادراک عقلی است و کارکرد طرحواره به عنوان دانش روندی نیز تشابهاتی با نقش علم حضوری در پیشستانی از علم حصولی در فرایند معرفت‌یابی دارد.

ابراهیمی (۱۳۹۴، ۲۸) مفهومی که انسان آن‌را بالقوه در نفس خود دارد ولی در نظریه طرحواره مقایسه در فرایند جذب و تطبیق عامل شکل‌گیری ادراک معرفی می‌شود.

- در هر دو دیدگاه تمایل و گرایش‌های انسان در شناخت نهایی تاثیرگذار است. با این تفاوت که در دیدگاه صدرا تمایل و گرایش‌های نفس انسان مرتبط با مرتبه نفس او دانسته می‌شود و متناسب با آن به سطوح متفاوتی از حقیقت وجود، معرفت می‌یابد (ضیایی قهنویه، کشفی، و ابراهیمی ۱۳۹۴، ۵۰). اما در نظریه طرحواره، تمایلات متفاوت صرفاً سبب توجه انتخابی انسان به یک ویژگی خاص از پدیده در مرحله ادراک و در نتیجه تفاوت در شناخت نهایی و طرحواره بدست آمده، دانسته می‌شود.

- با تاکید بر ساحت محدودتر شناخت در نظریه طرحواره، در مراتب ادراکی دو دیدگاه، اشتراکاتی دیده



تصویر ۵: تطبیق نظریه طرحواره و نظام معرفت‌شناسی صدرا (نگارندگان)

۵۹). او از علمی به نام علم حضوری سخن می‌گوید که بدون وساطت صور ذهنی شناخته می‌شود (حسینی شاهرودی و اسکندری ۱۳۹۶، ۸۴). این درحالی است که در نظریه طرحواره، شناخت دارای ساحتی محدودتر است و در آن از میان دو قسم علم حضوری، علم نفس به خود، قوای خود و مدرکات خود، قابل استنباط و فهم می‌باشد اما به قسم دیگر یا همان علم شهودی پرداخته نشده است. شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو دیدگاه به طور خلاصه در جدول ۳، آورده شده است و بر مبنای آن می‌توان طرحواره ذهنی در کنش‌های شناختی معماران از منظر صدرا را بازتعریف نمود.

بنا بر نظر صدرا، در قوس نزولی معرفت، نفس متناسب با مرتبه وجودی خویش می‌تواند از عالم عقول به عالم محسوس حرکت جوهری داشته باشد (تقدیر ۱۴۰۰، ۱۵۴-۱۵۵). مطابق با شکل ۵، به طور مشابه روانشناسان نیز در تعریف طرحواره به عنوان دانش روندی، به سیر از ذهن به ماده و پدیده عینی اشاره می‌کنند. با این تفاوت که صدرا برای این فرآیند از معرفتی به نام معرفت شهودی نیز یاد می‌کند (تقدیر ۱۳۹۶، ۶۱). در واقع مهمترین تکیه ملاصدرا بر ادراک شهودی است و کشف و ادراک حقایق جهان و حل مسائل دشوار را از این طریق ممکن می‌داند (سلیمانی شیجانی، خاکپور، و رئیس سمیعی ۱۳۹۳،

جدول ۳: تطبیق نظریه طرحواره با دیدگاه صدرا (نگارندگان)

شباهت‌ها	تفاوت‌ها
پذیرش رابطه میان ذهن و عین	نظریه طرحواره طرحواره‌های ذهنی بازنمای انتزاعی پدیده عینی هستند
ساختار سلسه مراتبی طرحواره‌های ذهنی و اصل تشکیک وجود در فلسفه صدرا	دیدگاه صدرا وجود مادی و وجود ذهنی هر دو دارای یک ماهیت هستند و ظهوری متفاوت از حقیقتی یگانه به شمار می‌آیند.
اصل حرکت جوهری در فلسفه صدرا (حرکت از ماده به مجرد) و فرآیند ادراک از عناصر مادی به سمت معنا در نظریه طرحواره	فرآیند ادراک به واسطه انتزاع (درآمدن جزء از کل) از هر مرحله به مرحله بعد وارد می‌شود.
تحول در شناخت و گسترش طرحواره همانند کشف اجزا و پیوندهای آنان در هستی و به دنبال آن درک بیشتر از حقیقت	گسترش طرحواره‌های ذهنی، ساحتی محدود دارد. بالاترین مرتبه در ساختار سلسه مراتبی طرحواره به عنوان عامل وحدت در ساختار، تعریف نشده است.
-	مقایسه مصادیق در فرایند جذب و تطبیق عامل شکل‌گیری ادراک معرفی می‌شود.
تأثیرگذاری تمایل و گرایش‌های انسان در شناخت نهایی	تمایل و گرایش‌های نفس انسان مرتبط با مرتبه نفس او است و متناسب با آن به سطحی از حقیقت وجود، معرفت می‌یابد.
سه مرتبه ادراکی در شکل‌گیری طرحواره کسب معرفت حصولی در دیدگاه صدرا	-
طرحواره به عنوان دانش توصیفی همانند با وجود ذهنی تاویل یافته در مرحله ادراک عقلی در دیدگاه صدرا	-
طرحواره به عنوان دانش روندی همانند با نقش علم حضوری در پیش‌بینی از علم حصولی در فرایند معرفت‌یابی	-
سیر از معنا به ماده و بالعکس سیر از ماده به معنا	معرفت شهودی به عنوان یکی قسم دیگر از علم حضوری معرفی می‌شود که از طریق منبع معرفتی قلب حاصل می‌شود.

اثر در عالم هستی است. از این رو است که مخاطبان آثار معماری از جمله معماران، با توجه به توان و مرتبه وجودی خود می‌توانند آن آثار را درک نمایند. به طور نمونه ممکن است مخاطبی صرفاً بتواند درک شکلی از اثر معماری داشته باشد و فردی دیگر در مرتبه‌ای بالاتر، مفاهیم پنهان آن

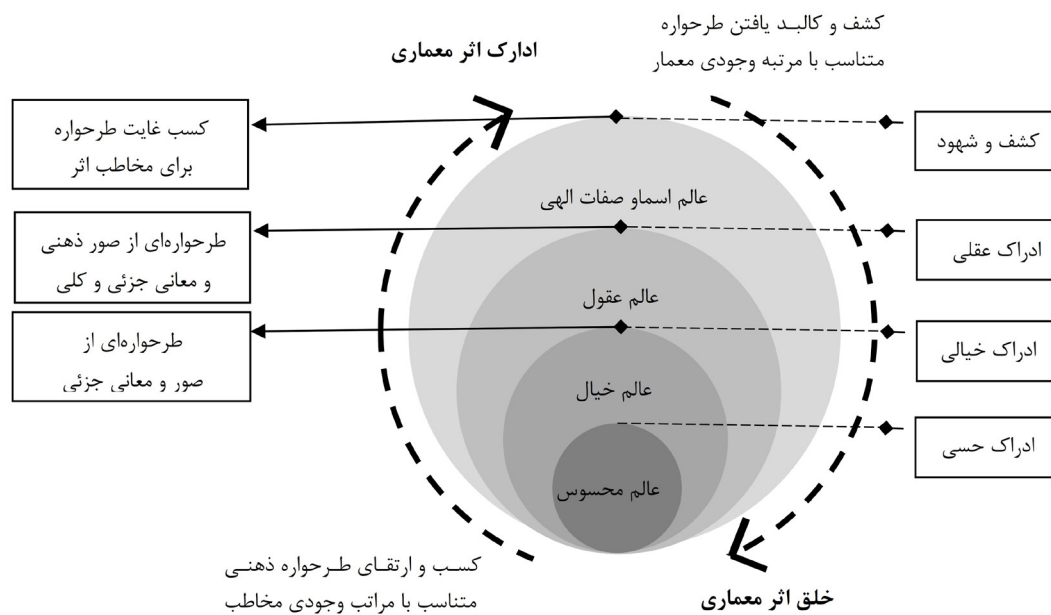
۲-۵. طرحواره ذهنی در کنش‌های شناختی معماران از منظر ملاصدرا

درمواجهه انسان با اثر معماری، طرحواره‌ای در ذهن او شکل می‌گیرد که معرف ماهیت ادراک شده از اثر می‌باشد. ماهیتی که متأثر از مرتبه وجودی انسان و مرتبه قرارگیری

شدن ناظر با معنای حقیقی فضا است. پس می‌توان گفت که معماران در مواجهه با آثار معماری واجد طرحواره‌هایی می‌شوند که دانش توصیفی آن‌ها را شکل می‌دهد. طرحواره‌هایی که در دیدگاه صدرا، وجود ذهنی نام دارند و به صورت کلیتی یکپارچه و منسجم از معانی و صورت‌های متحد شده در نفس معماران می‌باشند. این وجود ذهنی در فرآیند ادراک سایر آثار معماری، طراحان را در فرآیند ادراک یاری می‌کند و این موضوع منطبق با تعریف طرحواره به عنوان دانش روندی است.

را نیز ادراک کند. مطابق با نظریه حرکت جوهری صدرا، می‌توان گفت که برای مخاطب اثر معماری، طرحواره با سیر از ادراک حصولی به حضوری به واسطه طی مراتب ادراکی و اتحاد عالم و معلوم، شکل می‌گیرد و از این رو هر چه تجربه حضور در فضای معماری با صرف زمان و توجه بیشتر باشد این اتحاد وسعت می‌یابد و طرحواره شکل گرفته جامع‌تر و دقیق‌تر می‌باشد.

مطابق با تصویر ۶، در نگرش صدرا، ادراک یک اثر معماری و شکل‌گیری وجود ذهنی که قابل تعبیر به طرحواره ذهنی است، مستلزم اتحاد عالم و معلوم و به تعبیری دیگر یکی



تصویر ۶: طرحواره‌های ذهنی معماران مبتنی بر فلسفه صدرا (نگارندگان)

بهرتر می‌تواند دریافت و به تعبیری دقیق‌تر تاویل نماید (نقره‌کار، مظفر، و تقدیر ۱۳۹۶، ۸۷). در صورتی که معمار بتواند به مرتبه ادراک شهودی دست‌یابد، طرحواره‌هایی را کشف می‌نماید که تمثیل حقایق وجودند. این ادراک، علمی حضوری و قرین عمل است، عملی که می‌تواند در آخرین منزلگاه خلق اثر معماری در قوس نزول معرفت، نظری را بنمایاند (علی‌تاجر ۱۳۸۳، ۱۲۸). پس هر چه طرحواره‌های ذهنی معمار غنی‌تر و متعالی‌تر باشد، خلق اثر معماری فاخرتری را امکان‌پذیر می‌کند. اثری که می‌تواند زمینه رشد و تعالی مخاطب خود را در ارتباط و درک فزاینده حقیقت یگانه وجود فراهم کند. در جدول شماره ۴، شواهدی بر یافته‌های این پژوهش در معماری اسلامی ارائه شده است که در آنها، مطابق با اندیشه صدرا، طرحواره‌های ذهنی معمار مسلمان در آثار معماری وجود یافته است.

طرحواره‌ها به عنوان دانش روندی علاوه بر معنادار کردن ادراکات در قوس صعود، نقش معرفتی محوری در خلق اثر معماری در قوس نزول دارند چرا که خالق اثر با ترکیبی از ادراکات پیشینی خود و دانش بدست آمده از موضوع و موقعیت طراحی، در این سیر نزولی حرکت جوهری دارد. در خلق اثر معماری مطابق با مبانی معرفت‌شناسی صدرا رابطه انسان و هستی نیز حائز اهمیت و نقش معماری بر تقویت و گسترش این رابطه بسیار تاثیرگذار است. از آنجایی که ظاهر و باطن اثر معماری متناسب با مراتب وجودی نفس معمار و مراتب هستی است، هر چه معمار مرتبه وجودی بالاتری داشته باشد، درک عمیق‌تری از هستی و الهامات متعالی‌تری خواهد داشت و در نهایت می‌تواند اثر با مرتبه وجودی بالاتری را خلق نماید. به همین نحو نیز هر چه مخاطب معماری مرتبه وجودی بالاتری داشته باشد، مفاهیم و معانی متجلی شده در اثر را

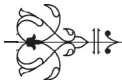
جدول ۴: شواهدی بر یافته‌های پژوهش

یافته‌ها	شواهد از معماری دوران اسلامی
وحدت (طرحواره) در کثرت (زیرطرحواره‌ها)	سیر از کثرت به وحدت با حیاط مرکزی، عنصری یگانه، تأکیدشده، جهت دهنده اجزا و تلفیق کننده فضای باز و بسته (نرج‌آبادی فام و دیگران ۱۴۰۰، ۱۴۵؛ شیرخانی و دیگران ۱۴۰۱، ۹۱) تکرار تکاملی و وحدت در گره چینی هندسی (شفیع زاده، کوهی گیگلو، عباس زاده ۱۳۹۵، ۳۰۷) کاربندی، نمادی از نظم و یگانگی در جهان و بیانگر وحدت وجود با وابستگی هر بخش از آن به کل ساختار
ادراک و عبور از ظاهر به باطن طرحواره	چیدمان فضاها و رعایت محرمیت در فضاسازی مساجد سنتی ایرانی (شیرخانی و دیگران ۱۴۰۲، ۷۵-۹۱) حرکت از ظاهر به باطن با سیر در فضاهای تهی معماری دوران اسلامی (بنی اسدی باغمیرانی، حسینی، و شاهچراغی ۱۴۰۳، ۶۳) سیر از هندسه آفاقی شهر به هندسه انفسی معماری (نقره‌کار ۱۳۹۲، ۲۴۰)
طرحواره‌های ذهنی مربوط به اثر معماری متناسب با مراتب وجودی نفس معمار و مراتب هستی	ادراک متفاوت از فضاهای معماری متناسب با سن، فرهنگ و علایق متفاوت تفاوت در توان طراحی و سطح خبرگی طراحان به علت تفاوت در مرتبه نفس آنان (روان و علی‌تاجر ۱۳۹۷، ۲۸)
اتحاد نفس و طرحواره در نظامی یکپارچه و هدفمند و حرکت جوهری نفس در قوس صعودی برای کسب و ارتقای طرحواره‌های ذهنی و در قوس نزولی برای کشف و کالبدبخشی به طرحواره‌های ذهنی	سلسله مراتب در دسترسی و حرکت ناظر در فضا در این همانی با مراتب هستی (ایمانی و شجاری ۱۴۰۳، ۴۳؛ بنی اسدی باغمیرانی، حسینی، و شاهچراغی ۱۴۰۱، ۱۶۸) سیر ادراکی بر پایه ارکان سکون، حرکت، وصل و وحدت و اتحاد ناظر با معنا موجود در فضا معماری دوران اسلامی نظیر در مساجد عصر صفوی (بنی اسدی باغمیرانی، حسینی، و شاهچراغی ۱۴۰۲، ۱۶۸-۱۶۹) استفاده از عناصر متغیر و در حال حرکت مانند نور، آب و گیاهان به عنوان تسهیل‌گر حرکت جوهری نفس در فضاهای معماری دوران اسلامی تجلی مفاهیم قدسی در معماری استعلایی مسجد مانند مسجد نصیرالملک در شیراز (مهدی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۵، ۴۵)
تشکیک در معرفت طرحواره‌های ذهنی، کشف تدریجی حقیقت در نظام سلسله مراتبی طرحواره	سلسله مراتب و وجود لایه‌های متعدد فضایی در مساجد سنتی ایرانی (شیرخانی و دیگران ۱۴۰۱، ۹۱؛ باغمیرانی، حسینی، و شاهچراغی ۱۴۰۱، ۶۱) حرکت در مسیرهایی غیر مستقیم و پیچیده برای هدایت به سمت مقصدی مقدس و کشف تدریجی معرفت حقیقی مانند دسترسی به گنبدخانه در مسجد شیخ لطف الله ایجاد بازی نور و سایه برای کشف تدریجی حقیقت
تاویل حقیقت در فرایند ادراک و شکل‌گیری طرحواره به عنوان یک کل منسجم	تاویل‌پذیری اعتقادات و تفکر اسلامی توسط مخاطب مسلمان و انطباق آن با طرحواره‌های او در معماری مساجد مانند مسجد آقا بزرگ کاشان (حیدری، پیوسته‌گر، و حیدری ۱۳۹۷، ۱۸-۱۹) تجلی حقیقت و زیبایی معنوی در فضاهای معماری دوران اسلامی با استفاده از عناصری نظیر نور به عنوان نماد وجود و حضور الهی و نقوش هندسی و اسلیمی
معرفت شهودی و کشف طرحواره‌ها به مثابه تمثیلی از حقایق وجود	توجه به مفاهیم عمیق و معنوی در طراحی بناها مانند مفهوم نظم و هماهنگی با استفاده از تقارن و تناسب هندسی در طراحی گنبدها و مناره‌های مساجد انعکاس معرفت شهودی طراحان در الگوهای تکراری و بی‌پایان دیوارنگاره‌ها و انواع کاربردی استفاده از نمادها در طراحی مانند مربع و دایره در مساجد دوره اسلامی (مهدی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۵، ۴۲)

۶. نتیجه‌گیری

پدیده نشده و برخی دیگر پرداختن به آن سطحی یا متفاوت بوده است. در نظریه طرحواره، مفهوم وجود، اصالت و وحدت وجود و تناظر میان مراتب ادراک و مراتب هستی قابل استنباط نمی‌باشد و منبع معرفتی قلب برای اتصال و کسب معرفت از عالم اسماء و صفات الهی مغفول مانده است. در حالی که در فلسفه صدرا انسان از طریق شهود می‌تواند به ادراکی متعالی‌تر دست یابد و معانی و مفاهیم ذخیره شده در قوای خود را غنا ببخشد. در نظریه طرحواره، سیر از یک مرحله به مرحله‌ای دیگر در فرایند شناخت از طریق انتزاع دانسته می‌شود درحالی که به اعتقاد صدرا در حرکت جوهری نفس، تاویل رخ می‌دهد و انسان متناسب با هر مرتبه هستی که در آن حضور دارد، می‌تواند به معرفت پدیده در مرتبه‌ای متناظر نائل آید. معرفتی که در آن بخشی از حقیقت وجود را که در نفس او به عاریه گذاشته شده است، تاویل می‌نماید. در

تطبیق نظریه طرحواره در روانشناسی با مبانی فلسفه و نظام معرفت‌شناسی صدرایی نشان داد که اشتراکاتی میان دو دیدگاه وجود دارد. با این حال وجوه و حدود جدیدی از طرحواره به دست آمد که در حوزه ادراک و خلق هر اثر مصنوع بسیار حائز اهمیت و توسط فلاسفه مسلمان مورد تأکید است اما در حوزه روانشناسی به علت عدم توجه به ابعاد هستی، تعامل میان انسان و هستی در چارچوبی مشخص و منسجم، به آن پرداخته نشده و یا تعریف جامع از آن ارائه نشده است. از اشتراکات اصلی میان این دو دیدگاه می‌توان به ارتباط ذهن و عین، پیوستگی میان ادراکات و تشکیک در معرفت اشاره کرد و همچنین نقش طرحواره را به عنوان دانش توصیفی و روندی در فرایند ادراک، منطبق با نظام معرفت‌شناسی صدرا دانست. از میان تمایزات بدست آمده، برخی در نظریه طرحواره



خلق طرحواره‌های معماری، به ادراک شهودی توجه داشته و با ارتقای مرتبه وجودی خود، معانی را کشف و از طریق کالبد معماری به سطح عالم محسوس نازل کنند. در نهایت با مطالعه تطبیقی انجام شده می‌توان طرحواره‌های ذهنی معماران را اینگونه بازتعریف کرد:

طرحواره ذهنی معماران، وجودی ذهنی-حضورى با ساختاری به هم پیوسته و منسجم است که از اتصال معمار با عوالم مختلف هستی حاصل می‌شود و معرف دوگونه دانش توصیفی و روندی است. دانش توصیفی به تاولیل طرحواره‌ای از سنخ وجود اشاره دارد که پس از طی فرآیند استکمالی نفس در قوس صعود حاصل می‌شود. فرآیندی که در آن نفس طی مراتبی اشتدادی و همگرا از کثرت به وحدت و درک فزاینده حقیقت یگانه وجود، حرکت جوهری دارد. این دانش همراه با معرفت شهودی، به عنوان دانش روندی در قوس نزول، معمار را در کشف طرحواره ذهنی جدید و انتقال معنا به کالبد مادی معماری یاری می‌کنند.

واقع در نظریه طرحواره در فرآیند ادراک، صورت ادراکی از طریق انتزاع، دچار تغییر می‌شود ولی در فلسفه صدرا تغییر و تحول در صور ادراکی اتفاق نمی‌افتد و نفس، با حضور در هر مرتبه از مراتب هستی، با تاولیل بخشی از حقیقت یگانه وجود که متناظر با آن مرتبه است، تغییر می‌یابد و با حرکت جوهری تعالی می‌یابد. تفاوت اساسی دیگر اینکه در سیر صعودی معرفت، صدرا حرکت جوهری نفس را سیری همگرا به سوی والاترین مرتبه که مرتبه ذات الهی است، تعریف می‌کند ولی در نظریه طرحواره غایتی واحد برای نظام سلسله مراتبی شناخت انسان‌ها دیده نشده و ساختار شناختی انسان مرتبط با ساختار هستی و سطح تعاملات انسان با آن تعریف نشده است.

از این رو معماران در ادراک محیط طبیعی و مصنوع می‌بایست به مراتب هستی آشنا باشند تا بتوانند با طی مراتب ادراکی (مطابق به مراتب هستی)، طرحواره‌های خود را وسعت و عمق ببخشند. همچنین در مرحله طراحی و

منابع

۱. احمدی‌نژاد، فریبرز، مرضیه اخلاقی، سیدعلی علم‌الهدی، و افلاطون صادقی. ۱۳۹۴. شباهت‌ها و تفاوت‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی پیامبر اسلام با سایر انسان‌ها از دیدگاه ملاصدرا. حکمت صدرایی (۱): ۷-۲۳.
۲. ارشدرباحی، علی، ربابه جلیلی بهابادی، و مجید صادقی حسن آبادی. ۱۳۹۸. تبیین نظریه معرفت ملاصدرا بر مبنای اسفار چهارگانه عقلی. ذهن ۲۰ (۷۹): ۶۷-۹۴.
۳. ارشدرباحی، علی، و صفیه واسعی. ۱۳۹۰. ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا، مطالعات اسلامی فلسفه و کلام ۸۶ (۲): ۹-۴۵.
۴. اسدزاده، دکتر حسن، سارا محمودی‌راد، و دکتر نورعلی فرخی. ۱۳۸۷. مقایسه اثربخشی تدریس مبتنی بر نظریه طرحواره و روش سنتی در درس زبان انگلیسی سال اول دبیرستان. روان‌شناسی تربیتی (۱۲) ۴: ۲۲-۳۹.
۵. ایزدپور، ابودر، مهدی حمزه‌نژاد، طاهره نصر، و محمدعلی اخگر. ۱۴۰۲. زایش توأم «جزء و کل» از درون یکدیگر در فرآیند طراحی معماری با استفاده از نظریه‌ی فلسفی «بسیط‌الحقیقه» صدرایی. پژوهش‌های معماری/اسلامی ۱۱ (۴): ۷۰-۸۹.
۶. ایمانی‌پور، منصور. ۱۳۹۸. نحوه و حدود معرفت به موجودات بر مبنای اصالت وجود. پژوهش‌های هستی‌شناختی ۸ (۱۶): ۱۶۵-۱۸۵.
۷. ایمانی، الناز و مرتضی شجاری. ۱۴۰۳. بازخوانی مراتب هستی صدرایی در سلسله مراتب باغ ایرانی (نمونه موردی: باغ فین کاشان)، مطالعات شهر ایرانی/اسلامی ۱۴ (۵۴): ۴۳-۶۱.
۸. ایمانی، محسن، خسرو باقری، علیرضا صادق زاده، و کیانوش محمدی روزبهانی. ۱۳۹۰. تبیین رویکرد میان رشته‌ای از دیدگاه معرفت‌شناسی حکمت متعالیه. پژوهش‌های فلسفی ۵ (۹): ۴۳-۶۷.
۹. بنی‌اسدی باغمیرانی، مهدی، سید بهشید حسینی، و آزاده شاهچراغی. ۱۴۰۱. تبیین سیر ادراکی در مساجد عصر صفوی، از ماده تا معنا مبتنی بر آرای ملاصدرا (موردپژوهی: مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله). حکمت صدرایی (۱) ۱۱: ۱۶۳-۱۷۸.
۱۰. بنی‌اسدی باغمیرانی، مهدی، سید بهشید حسینی، و آزاده شاهچراغی. ۱۴۰۲. بررسی نقش حرکت در ارتقاء ادراکی مساجد، مبتنی بر آرای معرفتی ملاصدرا (مورد پژوهی: مسجد حکیم). مطالعات میان فرهنگی ۱۸ (۵۴): ۶۱-۸۳.
۱۱. بنی‌اسدی باغمیرانی، مهدی، سید بهشید حسینی، و آزاده شاهچراغی. ۱۴۰۳. فضای تهی؛ محل تجلی و ادراک معنا در معماری اسلامی (بررسی تأثیرگذاری فضاهای تهی بر روی مخاطب، مبتنی بر آرای ملاصدرا. مطالعات هنر/اسلامی (۵۳) ۲۱: ۶۳-۸۰.



۱۲. پارسی، حمیدرضا و بهراد فرمهینی فراهانی. ۱۳۹۵. طرحواره ذهنی، فضای شهری، خلاقیت. معماری و شهرسازی *آرمان شهر* - (۱۷): ۳۰۳-۳۱۵.
۱۳. تفضلی، زهره. ۱۳۹۲. مقدماتی درباره حافظه و نقش آن در تفکر طراحی. ص ۶۰- (۱۷): ۳۰-۱۷.
۱۴. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۶. تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۵(۱): ۴۸-۶۷.
۱۵. تقدیر، سمانه. ۱۴۰۰. بازخوانی فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۹(۳): ۱۴۹-۱۷۰.
۱۶. تقدیر، سمانه، و فاطمه صمیمی فر. ۱۴۰۱. نقش «حافظه» (خزانه معنا) و «خیال» (خزانه صورت) معمار در شکل-دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس دیدگاه حکمت متعالیه، *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۱۰(۳): ۱-۱۸.
۱۷. حسینی شاهرودی، سیدمرتضی و زهرا اسکندری. ۱۳۹۶. بررسی تطبیقی فاعلیت ذهن در فرایند ادراک از دیدگاه ملاصدرا و هوسرل. *حکمت صدرایی* ۶(۱): ۷۵-۸۶.
۱۸. حیدری، علی اکبر، یعقوب پیوسته‌گر، و فرزاد حیدری. ۱۳۹۷. تحقق پذیری تأویل اعتقادات و تفکرات اسلامی در معماری مسجد و مدرسه آقا بزرگ کاشان. *اندیشه معماری* ۲(۳): ۱۵-۲۸.
۱۹. خسرو پناه، عبدالحسین. ۱۳۹۵. *فلسفه شناخت. تحقیق و تدوین حسن پناهی آزاد*. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف: موسسه حکمت نوین اسلامی.
۲۰. خسرو پناه، عبدالحسین، و حسن پناهی آزاد. ۱۳۸۸. *نظام معرفت‌شناسی صدرایی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. دانشمند، سارا، و کاوه فتاحی. ۱۴۰۱. چارچوب فرایند ادراکی متعالیه به منظور ادراک کیفیت زیبایی شناسی فضا (برهمگذاری دیدگاه علوم جدید و حکمت متعالیه. *مطالعات شهر ایرانی - اسلامی* ۵۰(۱۳): ۱۹-۳۶.
۲۲. ذاکری، مهدی، و حسین عمادزاده. ۱۳۹۶. منابع معرفت از نظر ملاصدرا. *خردنامه* ۳(۲۲): ۷۹-۹۲.
۲۳. رحیمی، لیلا، و صابر صیوری. ۱۳۹۷. تأثیر اقلیم بر طرح‌واره‌های ذهنی شهروندان در ادراک فضای شهری نمونه موردی: پارک ائل گلی تبریز. *جغرافیا و برنامه ریزی محیطی* ۲۹(۳): ۹۱-۱۱۰.
۲۴. رضازاده جودی، محمدکاظم. ۱۳۹۱. تبیین رویکرد شهودی ملاصدرا در ادراک عقلی. *پژوهش‌های معرفت‌شناسی* (آفاق حکمت) ۱(۲): ۱۱-۲۶.
۲۵. رفیعی، حجت‌الله. ۱۳۹۴. مراحل ادراک در فلسفه ملاصدرا. *شناخت* ۸(۱): ۹۷-۱۲۲.
۲۶. روان، علی، و سعید علی‌تاجر. ۱۳۹۷. ترسیم طرحواره ای جامع نگر از فرایند طراحی معماری با تطبیق روش شناسی تأویلی شناخت طراحان، بر سازواره ی کلی معرفت در نظام حکمت متعالیه. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۶(۴) (پیاپی ۲۱): ۱۵-۳۵.
۲۷. رئیس سمیعی، محمدمهدی. ۱۳۸۳. *نظریه مراتب وجود تاویل آن در معماری*. پایان نامه دکتری به راهنمایی دکتر هادی ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. زمانی، محبوبه، و هیرو فرکیش. ۱۳۹۸. جستاری در باب معماری مبتنی بر حکمت متعالیه. *معماری شناسی* ۱۳(۲): ۱۵۸-۱۷۶.
۲۹. سالم‌قهرخی، امین، سیدرضا رضایی، محسن رستمی، و ساهره علیخواه. ۱۳۹۹. چارچوب مفهومی روانشناسی شناختی در طراحی تجربه گردشگران. *شبک ۶* (پیاپی ۵۷): ۱۱۹-۱۳۴.
۳۰. سلیمانی شیجانی، زینب، مژگان خاکپور و محمد مهدی رئیس سمیعی. ۱۳۹۳. بازنگری اصول و اهداف معماری معاصر ایرانی با استفاده از نظرگاه فکری ملاصدرا. *نقش جهان* ۴(۱): ۵۷-۶۴.
۳۱. سولسو، رابرت. ال. ۱۳۸۱. *روانشناسی شناختی*. ترجمه فرهاد ماهر. ویرایش ۲. تهران: انتشارات رشد.
۳۲. سیف، علی اکبر. ۱۳۸۴. روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش). ویرایش ۵. تهران: انتشارات آگاه.
۳۳. شجاری، مرتضی، صفا سلخی خسرقی، و مازیار آصفی. ۱۳۹۶. حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد بر مبنای آرای ملاصدرا (نمونه موردی: مسجد کبود تبریز). *کیمیای هنر* ۶(۲۲): ۷۵-۸۸.
۳۴. شجاری، مرتضی، و زکیه‌السادات طباطبایی لطفی. ۱۳۹۵. خلاقیت در معماری با الهام از حکمت متعالیه. *حکمت معاصر* ۷(۲): ۲۳-۴۴.
۳۵. شریف، حمیدرضا، و فاطمه محمدعلی نژاد. ۱۳۹۱. زبان الگو و روان شناسی شناختی. ص ۲۳-۴۰.
۳۶. شفیع زاده، اسداله، توکل کوهی گیگلو، و فاضل عباس زاده. ۱۳۹۷. تطبیق مفهوم «حرکت جوهری» ملاصدرا با قواعد «گره سازی» در هنر اسلامی بر مبنای رویکرد وجود تطبیق هم ارزی. *عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)* ۱۵(۵۸): ۳۰۷-۳۲۵.



۳۷. شیرخانی، علیرضا، سید محمد خسرو صحاف، هیرو فرکیش، و داود چوگانیان. ۱۴۰۱. بررسی تطبیقی ارتباط میان حکمت و چیدمان فضایی در معماری مساجد سنتی و معاصر با بهره‌گیری از نرم افزار «نحو فضا» (نمونه موردی: مساجد خراسان رضوی). فرهنگ معماری و شهرسازی/اسلامی ۷ (۱): ۷۵-۹۳.
۳۸. شیرخانی، علیرضا، و خسرو صحاف، ۱۴۰۱. اصل سلسله مراتب و تجلی آن در معماری مساجد ایرانی (نمونه موردی مسجد گوهرشاد). مطالعات هنر اسلامی ۱۹ (۴۸): ۵۰۲-۵۲۵.
۳۹. صادقی، علیرضا، مسعود دادگر، و سحر سماواتی. ۱۳۹۷. تبیین مولفه‌های زیبایی‌شناسی حکمت متعالیه و بررسی میزان تجلی آن در کالبد بازارهای ایرانی (مطالعه موردی: بازار همدان، سرای شریفیه). مطالعات شهر ایرانی/اسلامی ۹ (۳۳): ۵۱-۶۳.
۴۰. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۰. الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية. ۱ ج. تهران - ایران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۱. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۸. الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. ۹ ج. قم - ایران: مکتبه المصطفوی.
۴۲. صدیقی، رویا، سیامک پناهی، منوچهر فروتن، و سید موسی دیباج. ۱۳۹۹. عوامل موثر در تفسیر یا خوانش معماری اسلامی بر مبنای حکمت متعالیه. نقش جهان ۱۰ (۴): ۲۹۵-۳۰۳.
۴۳. ضیایی قهنویه، مجید، عبدالرسول کشفی، و حسن ابراهیمی. ۱۳۹۴. بررسی تطبیقی دیدگاه‌های ویلیام جیمز و ملاصدرا در باب چگونگی شکل‌گیری مفاهیم حسی. اندیشه دینی دانشگاه شیراز ۱۵ (۵۷): ۲۱-۵۲.
۴۴. عباسی حسین آبادی، حسن، مرضیه اخلاقی، ابراهیم نوری، و زهرا صفایی مقدم. ۱۴۰۱. بررسی نقش اسماء خداوند بر حوزه‌های وجودی، معرفتی و عملکردی انسان از دیدگاه ملاصدرا. حکمت صدرایی ۱۰ (۲): ۱۸۹-۲۰۲.
۴۵. عرب زاده، جانا، حسن بلخاری قهی، مجید مفیدی شمیرانی، ایرج اعتصام، و آزاده شاهچراغی. ۱۴۰۳. مطالعه تطبیقی مفهوم عرفانی حرکت جوهری ملاصدرا با نمود عینی معماری زیست دوست با تکیه بر نظریه زمینه‌ای. پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۲ (۱): ۱-۱۱.
۴۶. علی‌تاجر، سعید. ۱۳۸۳. حکمت وجودی معماری. رساله دکتری معماری به راهنمایی دکتر هادی ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۴۷. فرم‌بینی فراهانی، بهراد، و مظفر صرافی. ۱۴۰۰. نقش طرح‌واره‌های ذهنی در تولید فضا (نقد سه گانه ی فضایی لوفور از منظر مکتب ویگوتسکیایی شناخت). معماری و شهرسازی/ایران ۱۲ (۱): ۵-۲۵.
۴۸. کبودی، مهدی، و عبدالحمید نقره کار. ۱۳۹۹. فرایند آفرینش هنری بر مبنای حکمت و تعالیم قرآنی. هنرهای صناعی اسلامی ۴ (۱): ۹۹-۱۱۱.
۴۹. کلانتری، مائده، و مهدی سعدوندی. ۱۴۰۰. تشکیک در منشا شباهت آثار هنرهای اسلامی (بر اساس آراء ملاصدرا). معماری و شهرسازی/آرمان شهر ۱۴ (۳۴): ۱۴۷-۱۵۶.
۵۰. متولی حقیقی، منا، خسرو صحاف، و طاهره کمالی‌زاده. ۱۴۰۲. تعالی در معماری ایرانی با تأملی در حکمت متعالیه. باغ نظر ۲۰ (۱۲۹): ۴۵-۵۶.
۵۱. محمدعلی نژاد، فاطمه. ۱۳۸۹. الگو به مثابه زبانی در طراحی معماری. پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حمیدرضا شریف و دکتر شهرام پوردهییمی. شیراز: دانشگاه شیراز.
۵۲. محمودآبادی، علیرضا، و حمید میرجانی. ۱۴۰۱. نسبت تفکر طراحی معماری با طرح‌واره‌های ناسازگار. اندیشه معماری ۱۲ (۱): ۱-۱۶.
۵۳. مظفر، فرهنگ، رسول وطن دوست، نادر شایگان فر، و زهره طباطبایی. ۱۳۹۳. مطالعه تطبیقی دیدگاه ملاصدرا به مثابه متفکر اسلامی با نظریه‌های رایج در رابطه با مدل‌های تجربه زیباشناختی. پژوهش‌های معماری/اسلامی ۲ (۲): ۱۵-۲۸.
۵۴. معین‌مهر، صدیقه، و وحید مجیدی. ۱۴۰۱. شناسایی معیارهای طراحی معماری مدرسه مبتنی بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا به مثابه عامل مؤثر در شکل‌گیری هویت انسان (بررسی پنج نمونه از مدارس معاصر در ایران). تحقیقات بنیادین علوم انسانی ۸ (۲): ۱۰۱-۱۳۲.
۵۵. مقدسی، نگین سادات. ۱۳۹۷. تبیین نقش طرح‌واره‌های ذهنی مکانی-اجتماعی در احساس آرامش ساکنین حاشیه سبز بزرگراه‌های درون شهری (نمونه موردی: بزرگراه مدرس). مدیریت شهری ۱۷ (۵۲): ۴۹-۶۳.
۵۶. منصوری، نجمیه، و فروغ‌السادات رحیم‌پور. ۱۴۰۱. دیدگاه صدرالمتألهین درباره تجرد انسان در قوس نزول و آثار آن بر حیات دنیوی. فلسفه ۲۰ (۱): ۱۶۹-۱۸۷.
۵۷. موسی‌زاده، عیسی، و مهدی عباس زاده. ۱۴۰۰. میناگرایی در معرفت‌شناسی ملاصدرا. نقد و نظر ۲۶ (۲) (پیاپی ۱۰۲): ۱-۱۱.



۳۱-۸

۵۸. مهدی نژاد، جمال‌الدین، محمدصادق طاهر طلوع دل، حمیدرضا عظمتی، و علی صادقی حبیب‌آباد. ۱۳۹۵. جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری. *پژوهش‌های هستی‌شناختی* ۵(۱۰): ۳۱-۵۰.
۵۹. مهرافزا، سمیرا، محمود رضایی، و طاهره کمالی زاده. ۱۴۰۲. تبیین محاکات متأثر از آرای صدرا در آفرینش فضاهای شهری و معماری. *باغ نظر* ۲۰(۱۲۲): ۶۷-۸۰.
۶۰. میرغلامی، مرتضی، اشرف السادات میرفخرایی، و مجتبی انصاری. ۱۳۹۹. تحلیلی بر روش‌های فهم هنر و معماری اسلامی. *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی* ۵(۱): ۳۷-۵۲.
۶۱. نرج‌آبادی فام، مژگان، اسلام کرمی، محمد منان رئیسی، و علی جوان فروزنده. ۱۴۰۰. بررسی تطبیقی معناشناختی نشانه‌های معماری محلات قدیمی و معاصر از منظر اندیشه اسلامی و از دیدگاه ادراک شهروندان (نمونه موردی محله شتربان و رشیدیة تبریز). *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی* ۶(۲): ۱۳۳-۱۵۲.
۶۲. نقره کار، عبدالحمید، فرهنگ مظفر، و سمانه تقدیر. ۱۳۹۶. تناظر انسان و هستی در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی. *معماری و شهرسازی آرمان شهر* ۱۰(۱۹): ۷۹-۹۳.
۶۳. نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۹۲. حکمت هنر و معماری اسلامی. *قطب علمی معماری اسلامی، دانشگاه علم و صنعت ایران*.
۶۴. هاشم پور، آیسودا، و محمد بیدهندی. ۱۳۹۹. بررسی ظرفیت‌های علم اشتدادی نزد سهروردی و ملاصدرا. *فلسفه و کلام اسلامی* ۵۳(۲): ۵۴۷-۵۶۳.
۶۵. هرگنهان، بی.آر.، و می‌تو اچ السون. ۱۳۷۹. *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*. ترجمه علی اکبر سیف. ویرایش ۵. تهران: انتشارات دوران.
۶۶. یزدان فر، سیدعباس. ۱۳۸۳. مروری بر طرحواره ذهنی دانشجویان و رشد آن در فرایند آموزش طراحی (کارگاه معماری طرح I). *صفه* ۱۴(۳۸): ۱۴۵-۱۷۰.

References

1. Abbasi Hasan Abadi, Hassan, Marzieh Akhlaghi, Ebrahim Noori, and Zahra Safaimoghadam. 2022. Investigating the Role of God's Names on the Existential, Epistemological and Functional Domains of Human Beings from Mulla Sadra's Point of View. *Biannual Scientific Journal Sadrai Wisdom* 10(2): 189-202.
2. Ahmadinejad, Fariborz, Marzieh Akhali, Seyyed Ali Alamolhoda, and Aflaton Sadeghi. 2014. Mulla Sadra on Ontological and epistemological similarities and differences between the Prophet Mohammad (PBUH) and other human. *Hikmat Sadraei* 4(1): 7-23.
3. Ali Tajer, Saeed. 2013. *Being wisdom of architecture*. PhD dissertation in architecture under the guidance of hadi nadimi. Tehran: Shahid Beheshti University.
4. Anay, Hakan, and Ülkü Özten. 2019. On the Nature of the Conceptual Schemata Development of Architecture Students. *International Journal of Architecture & Planning* 7(1): 78-98.
5. Arshadriahi, Ali, and Safiyya Wasii. 2011. Relation of Levels of Existence to the Levels of Perception in Mullā Ṣadrā's View. *Essays in Philosophy and Kalam* 43(1): 9-45.
6. Arshadriahi, Ali, Robabe Jalili Bahabadi, and Majid Sadeghi Hassanabadi. 2019. Explanation of Mulla Sadra's theory of knowledge based on the four intellectual journeys. *Mind* 20(79): 67-94.
7. Asadzadeh (PhD), Hassan, Sara Mamoodi Rad (MA), and Noorali Faroukhi (PhD). 2008. Comparing the effectiveness of schema theory-based teaching and traditional teaching of English language in high school students. *Educational Psychology* 4(12): 22-39.
8. Baniasadi Baghmirani, Mahdi, Sayed Behshid Hosseini, and Azadeh Shahcheraghi. 2024. Empty space; The place of manifestation and perception of meaning in Islamic architecture (Investigating the effect of empty spaces on the audience, based on Mulla Sadra's views). *Islamic Art Studies* 21(53): 63-80. doi: 10.22034/ias.2021.259921.1447
9. Baniasadi Baghmirani, Mahdi, Sayed Behshid Hosseini, and Azadeh Shahcheraghi. 2023. Explaining the Perceptual Journey in Safavid Mosques, from Matter to Meaning based on Mulla Sadra's Views (Case study: Imam Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque). *SADRĀ'I WISDOM* 11(1): 163-178. doi: 10.30473/pms.2022.60315.1893
10. Baniasadi Baghmirani, Mahdi, Seyed Behshid Hosseini, and Azadeh Shahcheraghi. 2022. Examining the Position of Movement in the Perceptual Promotion of Mosques, Based on the Epistemological Views of Mulla Sadra (Case Study: Hakim Mosque). *Intercultural Studies Quarterly* 18(54): 61-83.



11. Bigge, Jhon.B, and Phil Moor. 1993. *The Process of Learning* (3rd ed.). New York: Prentice Hall.
12. Bolkhari Ghahi, Hassan, Jana Arabzadeh, Majid Mofidi Shemirani, Iraj Etisam, and Azadeh Shahcheraghi. 2024. Comparative study of Mulla sadra Trans - substantial Motion with Biophilic Architecture based on Grounded Theory. *JRLA* 12 (1).
13. chinnappan, Mohann. 1998. Schemas and mental models in geometry problem solving. *Educational Studies in Mathematics* 36: 201-217.
14. Daneshmand, Sara, and Kaveh Fattahi. 2023. Introducing the Transcendent Perceptual Process in order to perceived the Aesthetic Quality of Space (Combining the Viewpoints of New Sciences and Mulla Sadra's Transcendent Theosophy). *Iranian Islamic City Studies* 13(50):19-36.
15. Davis, Gary E., and David O. Tall. 2002. What is Scheme? IN David Tall and Michael Thomas (Eds). *Intelligence, Learning and Understanding Mathematics*. 131-150. Flaxton. Australia: Post Pressed.
16. Farmahini Farahani, Behrad, and Mozafar Sarrafi. 2021. The Role of Mental Schemata in Production of Space (Criticism of Lefebvre's Spatial Triad from the Perspective of Vygotskian School of Cognitive Psychology). *Journal of Iranian Architecture & Urbanism* 12(1):5-21.
17. Guo, Su, Shengxi Fan, and Yichen Meng. 2023. The Study of Cognitive Differences between Designers and Users Based on Schema Theory. in *Proceedings of the International Conference on Engineering Design (ICED23)*. France (Bordeaux): 3513–3522.
18. Hashem pour, Aysuda, and mohammad Bidhendi. 2021. Suhrawardi and Mulla Sadra's Views on Capacities of Intensificational Knowledge. *Philosophy and Kalam* 53(2): 547-563.
19. Heidari, Ali Akbar, Yaghoub Peyvastehtgar, and Farzad Heydari. 2018. Interpretation of Islamic beliefs and thoughts implementations in masque and school architecture of Agha Bozorg Kashan. *Journal of Architectural Thought* 2(3): 15-28.
20. Hergenhan, B.R., and Maytwo H. Elson. 2000. *An introduction to learning theories*. translated by Ali Akbar Saif. 5th edition, Tehran, Duran publications.
21. Hosseini Shahroudi, Syed Morteza and Zahra Eskandari. 2017. A Comparative Study of Mulla Sadra and Husserl on Mind Agency in Perception Process. *Biannual Scientific Journal SADRĀ'I WISDOM* 6(1): 75-86.
22. Imani, Elnaz, and morteza shajari. 2024. Reading out the Existence Degrees of Sadra Wisdom in the Hierarchy of Iranian Garden (Case Study: Fin Garden, Kashan). *Iranian Islamic city studies* 14(54): 43-61.
23. Imani, Mohsen, Khosrow Bagheri, Alireza Sadeghzadeh, and Kianosh Mohammadi Ruzbehani. 2012. Explanation of Interdisciplinary Approach Based on Epistemology of Al-Hikmat Al-Muta'li. *Journal of Philosophical Investigations* 5(9): 43-67.
24. Imanpour, Mansour. 2020. The Mode and Limits of Knowledge of Beings Based on the Principality of Existence. *Journal of Ontological Researches* 8(16): 165-185.
25. Izadpour, Abuzar, Mehdi Hamza-Nejad, Tahira Nasr, and Mohammad Ali Akhgar. 2023. The combined birth of "part and whole" from within each other in the process of architectural design using the philosophical theory of "basit al-haqiqah" of Sadraei. *JRIA* 11 (4):70-89 .
26. Kaboudi, Mahdi, and [Abdolhamid Noghrehkar](#). 2020. Artistic creation based on Qur'an and transcendental wisdom. *JIC* 4 (1):99-111 .
27. Kalantari, Maedeh, and Mehdi Saedvandi. 2021. Skepticism over the Origin of Similarity of Islamic Works of Art Using Mulla Sadra Perspective. *Armanshahr Architecture & Urban Development* 14(34): 147-156.
28. Ketizmen Onal, Gokce and Hülya Turgut. 2017. Cultural schema and design activity in an architectural design studio. *Frontiers of Architectural Research* 6(2): 183-203.
29. Khosropanah, Abdulhossein, and Hasan Panahi Azad. 2019. *Sadraei Epistemological System*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
30. Khosropanah, Abdulhossein. 2016. *Philosophy of knowledge*. Researched and compiled by Hasan Panahi-Azad. Qom: Education Publishing Office (Supreme Leader's Representation Institution in Universities).
31. Kohls, Christian, and Katharina Scheiter. 2008. The relation between design patterns and schema theory, [Proceedings of the 15th Conference on Pattern Languages of Programs](#). Article No. 15:1-16.
32. Lawson, Bryan. 2004. Schemata, gambits and precedent: some factors in design expertise. *Design Studies* (25): 443-457.
33. Mahdi Nejad, Jamal-e-Din., Mohammad Sadegh Taher Tolodel, Hamidreza Azemati, and Ali Sadeghi Habib Abad. 2017. An Essay on Islamic-Iranian Architecture and Sacred Art Features in Terms of Architectural



Excellence. *Journal of Ontological Researches* 5(10): 31-50.

34. Mahmoodabadi, Alireza, and Hamid Mirjani. 2022. The ratio of architectural design thinking to incompatible schemas. *Journal of Architectural Thought* 6(12): 1-16.
35. Mansouri, Najimeh, and Forough Alsadat Rahimpour. 2022. Sadr al-Mutallahin's view on Human Abstraction in the Arc of Descent and its Effects on Worldly Life. *Philosophy* 20(1): 169-187.
36. Mehrafza, Samira, Mahmoud Rezaei, and Tahereh Kamalizadeh. 2023. Explanation of Mimesis Influenced by Sadra's Theory in the Creation of Urban Spaces and Architecture. *Bagh-e Nazar* 20(122): 67-80.
37. Mirgholami, Morteza, Ashraf Al-Sadat Mirfakhraei, and Mojtaba Ansari. 2020. An analysis of the methods of understanding Islamic art and architecture. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism* 5(1): 37-52.
38. Moghdisi, NeginSadat. 2018. Relationship between Social-Spatial Mental Schema and Observers' Tranquility in Urban Green Highways (Case Study: Modarres Highways). *Urban Management* 17(52): 49-63.
39. Mohammad Ali Nezhad, Fatemeh. 2011. *Pattern as a language in architectural design*. Master's thesis under the guidance of Dr. Hamidreza Sharif and Dr. Shahram Purdihimi. Shiraz University. Shiraz.
40. Moinmehr, Siddiqeh, and Vahid Majidi. 2022. Identifying School Architectural Design Criteria Based on Mulla Sadra's Theory of Substantial Motion as an Effective Factor in the Formation of Human Identity (A Case Study of Five Contemporary Schools in Iran). *Quarterly Journal of Basic Human Sciences Research* 8(2): 101-132.
41. Motevali Haghighi, Mona, Khosro Sahaf, and Tahereh Kamalizadeh. 2024. Excellence in Iranian Architecture by Relying on the Transcendent Theosophy (Al-hikmat al-muta'aliyah). *Bagh-e Nazar* 20(129): 45-56.
42. Mousazadeh, Isa, and Mehdi Abbaszadeh. 2021. Fundamentalism in Mulla Sadra's epistemology. *Naqd Va Nazar* 26(2 (series 102)): 8-31.
43. Muzaffar, Farhang, Rasul VatanDost, Nader Shayganfar, and Zohreh Tabatabai. 2014. A comparative study of Mulla Sadra's approach as an Islamic Mastermind and the common theories in regards to aesthetic experience models. *JRIA* 2(2):15-28.
44. Narjabadifam, Mozghan, Islam Karami, Mohammad Mannan Raeesi, Ali Javan Forouzande. 2021. A Comparative Semantic Study of Landmarks of Old and Contemporary Neighborhoods from Perspective of Islamic Notions and the Perspective of Citizens' Perception (A Case Study of Shotorban and Roshdiyeh Neighborhoods of Tabriz). *CIAUJ* 6 (2) :133-152.
45. Neisser, Ulric. 1976. *Cognition and Reality- Principles and Implications of Cognitive Psychology*. San Francisco: W.H. Freeman and company press.
46. Newton, Jonathan.M., Dana R. Ferris, Christine C.M. Goh, William Grabe, Fredricka L. Stoller, Larry Vandergrift 2018. *Teaching English to Second Language Learners in Academic Contexts: Reading, Writing, Listening, and Speaking* (1st ed.). Routledge.
47. Noghrekar, Abdulhamid, Farhang Mozaffar, and samaneh Taghdir. 2017. Communication of Man and Universe in Islam: The Reflection in Islamic Architecture, Based on Transcendent Wisdom. *Armanshahr Architecture & Urban Development* 10(19), 79-93.
48. Noghrekar, Abdul Hamid. 2013. *The Wisdom of Islamic Art and Architecture*. Islamic Architecture Scientific Hub, Iran University of Science and Technology.
49. Parsi, Hamidreza and Behrad Farmahini Farahani. 2017. Mental Schema, Urban Space, Creativity. *Armanshahr Architecture & Urban Development* 9(17):303-315.
50. Piaget, Jean. 1971. *Biology and Knowledge*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
51. Raees Samii, Muhammad Mahdi. 2004. *The theory of levels of existence and its interpretation in architecture*. Doctoral dissertation under the guidance of Dr. Hadi Nadimi. Tehran: Shahid Beheshti University.
52. Rafiei, Hojjatollah. 2014. Stages of perception in Mulla Sadra's philosophy. *Cognition* 8(1):97-122.
53. Rahimi, Leila and Saber Sabouri. 2018. The impact of Climate on Mental Schemas of Citizens in Perception of Urban Spaces (Case Study: El Gholi Park in Tabriz). *Geography and Environmental Planning* 29(3): 91-110.
54. Ravan, Ali, and Saeed Alitager. 2019. Drafting a Comprehensive Schema of Design Process the Conformability of Hermeneutic Design Methodology, with Epistemology Mechanism of Molla-Sadra's Transcend Theosophy System. *JRIA* 6 (4):15-36.
55. Rezazade-Judi, Mohammad Kazem. 2012. Explanation of Mulla Sadra's intuitive approach in intellectual perception. *Epistemological Researches (Afaq Hekmat)* 1(2):11-26.



56. Sadeghi, Alireza, Masoud Dadgar, and Sahar Samavati. 2018. Explaining the aesthetic components of transcendental wisdom and examining the degree of its manifestation in the body of Iranian markets (case study: Hamadan Bazaar, Sharifiyeh Caravanserai). *Iranian Islamic City Studies* 9(33): 51-63.
57. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad Ibn Ibrahim. 1981. *Al-Shawahid al-Rabbiyyah in Al-Salukiyyah Al-Manahaj*. 1 c. Iran. Tehran: Academic Publishing Center.
58. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad Ibn Ibrahim. 1989. *Al-Hikma al-muta'aliya fi l-asfar al-'aqliyya al-arba'a*. 9 c. Qom - Iran: Al-Mustafawi School.
59. Saif, Aliakbar. 2005. *Educational psychology (psychology of learning and education)*. Edition 5. Tehran: Aghah Publications.
60. Salem Ghahfarkhi, Amin, Seyyed Reza Rezaei, Mohsen Roostami, and Sahere Alikhah. 2021. Conceptual framework of cognitive psychology in designing tourists' experience. *Shabak* 6(6 (series 57)): 119-134.
61. Sediqhi, Roya, Siamak Panahi, Manouchehr Foroutan, and Seyed Musa Dibadj. 2021. Effective Factors in Interpretation or Reading the Islamic Architectural Based on Transcendent Wisdom. *Naqshejahan* 10 (4): 295-303.
62. Seifert, Kelvin. 1991. *Educational Psychology (2d ed.)*. Boston: Houghton Mifflin.
63. Shafizadeh, Asadollah, Tavakol Koochi kigloo, Fazel Abbaszadeh. 2019. Adaptation of Mulla Sadra's concept of "immobile motion" with the rules of "knotting" in Islamic art based on the existence of equivalence matching». *Islamic Mysticism*.15(58):307-324.
64. Shajari, Morteza, and Zakiyeh Sadat Tabatabai Lotfi. 2016. Creativity in architecture inspired by transcendental wisdom. *Contemporary Wisdom* 7(2): 23-44.
65. Shajari, Morteza, Safa Salkhi khasraghi, and Maziar Asefi. 2017. Perfection Movement of the Soul of Man in Mosque Space on the Basis of Mulla Sadra's Views Case Study: Tabriz Blue Mosque. *Kimiya-ye-Honar* 6(22): 75-88.
66. Sharif, Hamidreza, and Fatemeh Mohammad Ali nezhad. 2012. Pattern language and cognitive psychology. *Soffeh* 22(1): 23-40.
67. Shirkhani, Alireza, and Khosro Sahaf. 2023. The principle of hierarchy and its manifestation in the architecture of Iranian mosques (case study of Goharshad mosque). *Islamic Art Studies* 19(48): 502-525.
68. Shirkhani, Alireza, Seyed Mohammad Khosro Sahaf, Hero Farkish, Dovood Choganian. 2022. A Comparative Study of the Relationship between Wisdom and Spatial Arrangement in the Architecture of Traditional and Contemporary Mosques Using "Ucl Depth Map" Software (Case Study: Khorasan Razavi Mosques). *CIAUJ* 7 (1) :75-93.
69. Slavin, Robert. E. 1991. *Educational Psychology (3rd ed.)*. Prentice-Hall.
70. Soleimani Sheijani, Zeinab, Mozhgan Khakpour and Mohammad Mahdi Rais-Samii. 2014. A Review on the principles and objectives of contemporary architecture in Iran from Mulla Sadra's point of view. *Naqshejahan* 4 (1): 57-64.
71. Solso, Robert. L. 2002. *Cognitive psychology (2d ed.)*. translated by Farhad Maher. Tehran: Roshd Publications.
72. Tafazzoli, Zohreh. 2013. Memory and Architectural Thinking. *Soffeh* 23(1): 17-30.
73. Taqhdar, Samana. 2017. Explaining the human perception levels and process and its role in the quality of creation of architectural works based on Transcendent Wisdom. *JRIA* 5 (1): 48-67.
74. Taqhdar, Samana. 2021. Rereading of Creation and Perception Process in Architectural Pieces, On the basis of Transcendent Wisdom. *JRIA* 9 (3):149-170.
75. Taqhdar, Samaneh, and Fatemeh Samimifar. 2022. The role of "memory" (treasury of meaning) and "imagination" (treasury of face) of the architect in shaping the process of creating and perceiving architectural works based on the view of transcendent wisdom. *JRIA* 10 (3):1-18.
76. Urey, Zeynep Cigdem Uysal. 2019. The Cognitive Use of Prior Knowledge in Design Cognition: The Role of Types and Precedents in Architectural Design. *Journal of Contemporary Urban Affairs* 3(3), 39-50.
77. Wright, M.D., Jesse H., Gregory K. Brown, Michael E. Thase, M.D., Monica Ramirez Basco, and Series Editor : Glen O. Gabbard, M.D. 2017. *Learning Cognitive-behavior Therapy: An Illustrated Guide (Second Edition)*. American Psychiatric Pub.
78. YazdanFar, Seyyed Abbas. 2004. Schema development: A review of students' mental schema and its development in the process of design education (Architecture Workshop Design I). *Soffeh* 14(38): 145-170.



79. Young, Jeffrey E., Janet S. Klosko, and Marjorie E. Weishaar. 2003. *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press.
80. Zakari, Mahdi, and Hossein Emadzadeh. 2017. Sources of Knowledge in Mulla Sadra. *Kheradname-ye sadra* 3(22): 79-92.
81. Zamani, Mahbubeh, and Hero Farkisch. 2019. A research on architecture based on transcendental wisdom. *Knowing of architecture* 13(2): 158-176.
82. Ziaei Ghahnouye, Majid, Abdolrasol Kashfi, and hasan Ebrahimi. 2016. A comparative study of the views of William James and Mulla Sadra on how sensory concepts are formed. *Journal of Religious Thought: A Quarterly Journal of Shiraz University* 15(57): 21-52.

